

(۴۰) قانون شرع اقدس در تمام امور جاری خواهد گردید

(۴۱) پاتی مساوات در امور جمهور میان خواهد آمد

(۴۲) ماهرین صنایع که تا بحال نیرنگها و شعبدهای رنگا رنگ اجنبیان که صغیر و کبیر و اناث و ذکور ما

اسلامیان را فریب داده چون اژدهای خوش لخط و خال جان و طال مارا بدم در کشیده و بیکشند وقتی طرق فریب آنها منسوخ شد بمالک ما آمده بنوکری راضی خواهند گردید هم صنایع مراوان و هم جهال ما استناد کم کم اهالی خارجه محتاج بصنایع ما خواهند شد

(۴۳) کشتیهای تجارقی و دولتی ما در دریا جولان خواهند نمود

(۴۴) دول دیگر ما را گوی چونان خود قرار نتوانند داد اگر آنها در سایه حمایت ما نباشند ما هم هدف تیر مکر آنها نخواهیم گردید نام ما مثل آنها یا بالاتر از آنها بلند خواهد گردید

(۴۵) اهالی ایران قوی بجه لشکر منظم سرحدات محکم سلطنت مستحکم اسلام معظم خواهد شد - اینطی نمونه از معنی (عن من قتم و ذل من طمع) است سایر نتایج انسداد تجارت میدهومنه منحوسه خارجه را بوضوح و قلم و شان و بیان برادران وطن حواله نمودم تهاون این مطالب را مثل تهاول سایر مطالب حقه انگاشته نگاشتم تا مرکه هدایت خواهد هدایت یابد و اگر صدق مقال ما را خواهند نزد علماء اعلام به امتحان سؤال نمایند علاوه بر این خداوند عقل را حجة باطنه قرار داده درست تصور نموده عقل را حاکم قرار داده البته این کلمات را چون آفتاب صدیق خواهند نمود

چون بدو اشکالی در نظر مال اندیشان جلوه خواهد نمود ناچار از جوابیم - در آن این است که اجناس ایران هم بخارجه حمل میشود نهایت بالغ بر نصف اموال خارجه یعنی وارد میشود از روی معامله

بائثل امتنه تا هم خارج نخواهد شد این ابراه چنانچه از درجه اعتبار ساقط است جواب مختصر این است که آنچه از ایران بیرون میرود جنس بهتر از پول است و آنچه از خارجه بمالک ما داخل میشود مثل روغن بگمش سی شاهی ماست که متصالی در فران رنگ ساخته با باز میگردانند این نکته فرق کلی را ظاهر و پدید اجناس آنها جز فریب دادن ما چیز دیگر نیست دیگر آنکه خارجه پیش افتاده اند زمانی بیاید که همین اجناس را بقدر کفایت در ملک خود تحصیل کنند آنوقت از ما نخواهند خرید اما جزئی پارچه ها که حمل میکنیم همه پارچه های با دوام و استحکام است مثل ظالین و غیره و پارچه های رنگا رنگ بی دوام داخل میشوند مردان و زنان فرنگ برای خودشان لباسهای با دوام ساخته درست کرده و برلی ما لباسهای بی دوام میفرستند بالوان مختلفه - شنیدیم یکی از اخبارات ژاپون ملک خود را نصیحت کرده بود که پارچه های خوش های دلریا و بی دوام برای فروش درست کنید - بی اسرائیل دست از من و سلوی برداشته خواستگار بنیر و بیار و غیره شدند ما هم مثل آنها البسه مستحکمه - و دمان را پوشیده البسه پوست پیاری دیگران را اختیار نموده ایم برای طافل همین يك نکته بس است و الا کتابها گاهی نتواند بود - و خودمان تیشه بریشه خود خواهیم زد تا روزی که از پشیمانی غیر از حسرت سودی نبریم بتوفیق الهی و مدد حضرت خلافت پناهی امام عصر عجل الله تعالی فرجه اندک فوائدیکه بر ترک تجارت خارجه مترتب است برای برادران اسلامی خویش برشردم تا خدا هر که را خواهد توفیق دهد و در تجارت داخله ملک اسلام سعی دارد تا همه مؤمنین را حتمالی دولت دهد استعمال غالب امتنه و اقشہ خارجه اسراف و تبذیر است خدا میفرماید (ان الله لا يحب للمرفین) و جای دیگر میفرماید (ان للبدین کاوا اخوان الشیاطین) پس انسداد این همه اسرافها باعث محبت او جل شانج است و خدا هر که را دوست داشت اسباب خیر دنیا و آخرتش را فراهم خواهد آورد چنانچه میفرماید (ان الله لا ینیر ما بقوم حق ینیروا ما بافسهم) خداوند بدی حال مقرر تغییر نخواهد داد مگر ما صفات ناپسندیده خود را تغییر دهیم

مجله المثنی کلکته

مدیرکل کالج استریت نبره

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤید الاسلام است

متنظم اداره

آقا محمدجولد شیرازی است

هر دو شنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دو شنبه

۱۳۲۱ هجری

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

سالانه - شش ماهه

هند - و برمه

۱۲ روپه ۷ روپه

ایران - افغانستان

۵۰ فرانی ۳۰ فرانی

عثمانی - و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا - و چین

۳۰ فرنک ۱۷ فرنک

دین اللین

سنه ۱۳۱۱

مصادف

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

روس - و ترکستان

۲۲ فروری ۱۹۰۴ میلادی (خریداران نباید قیمت اخبار و باحادی تسلیم نمایند) ۱۰ منات - ۶ منات

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود
مراسلات طام المنعمه معبول و در انتشارش اداره آراست

فهرست مندرجات

- سیاسی • تلگرافات • مکتوب از بصره • مکتوب
- یکی از مبصرین • مکتوب از طهران • بقیه تعرفه
- گرمک ایران • داستان روسیا • مکتوب از مسکو
- مکتوب یکی از مبصرین • مکتوب بیعرضانه
- مکتوب از اسلامبول • بقیه تلگرافات • حب وطن
- طبیعی است • اعلان • ایضاً

سیاسی

نور جنگ اقصای شرق آنا فانا گرمز و روز
بروز بر خصومت دولتین روس و انگلیس میافزاید -
لجون عقیده روسیان بر این بوده و هست که مشوق ژاپون
و محرک این جنگ دولت انگلیس است هیچ بد ندارد
که این مخالفت کم کم کسب عمومیت نموده عالم گیر شود - چه
از یکطرف دولت انگلیس کیسیون بجانب (تبت) فرستاده -
از طرف دیگر دولت روس فرمانفرمای صوبه ترکستان
را امر نموده که تدارکات جنگی دیده بشود خود را
آماده ساخته که هرگاه دولت انگلیس در (تبت) و ایران
حقوق روس را پایمال غولاقه بجانب خیم حله نماید -

علاوه سرداران روس بر دو کشتی جنگی انگلیس با
اطهار بی طرفی حمله کرده یکی را غرق نمودند - امیرالبحر
انگلیس رپورت این حادثه را بسفیر دولت متبوعه خود
در (پکن) داده - این مراتب دال است بر اینکه جنگ
اقصای شرق عاقبت منجر به جنگ انگلیس و روس
تواند شد و کسب عمومیت حاصل تواند نمود - نکته
دیگر که شمولیت انگلیس را در این جنگ می نمایاند
هما است تمام طرف داری فرانسه از روس است -
هرگاه طرف داری فرانسه مدک رسمیت پیدا نماید دولت
انگلیس رسماً بجهایت ژاپون مجبور خواهد گردید - اگر
رشته این مخالفت با این درجه دراز شود - سائر دول
نیز بید نیست حصه ازین جنگ برگزینند - فعلاً جنگ
دولتین ژاپون و روس جمیع سیاسیون مغرب زمین را
متزلزل ساخته و نمیتوانند اطمینان نمود که شراره این
نیران بدامان آنان سرایت نخواهد کرد

جنگ ژاپون و روس از جمیع جنگهاست که در این قرن
بوقوع پیوسته اهمیتش بیش است - چه خوف عمومیت
این جنگ در شرق و غرب از کلیه جنگهای ساله افزون
میشود - و فعلاً نمیتوان موهبو مدتی برای ختم این

جنگ تصور نمود. تدارکی که دولتین متنازعین دیده
 ظاهر میدارد که کمتر ارزش ماه این جنگ خاتمه نخواهد
 پذیرفت. و اگر کسب عمومیت نمود بساطهای منتهی نتواند شد
 نتیجه که درین جنگ ما به الاتفاق جمیع سیاسیون
 است همانا ازدیاد شورش باغان و منجر شدن بحنگ عثمانی
 و بلغاراست. چون دولت روسیه امریکا و فرانس و انگلیس
 و آلمان جمیع حواس خود را جمع و قوت خویش را
 فراهم نموده که هرگاه در اقصای شرق جنگ کسب عمومیت
 نماید بکار آید. محتمل است که اگر جنگی در بلغار
 پیش آید دولت آستریا مقاصد دیرینه خویش را از
 پیش به برد. و دولت عثمانی نیز در فائده ماند.
 در این که در آغاز جنگ روس و ژاپون بر شورش
 بلغارستان افزوده جای شبه نماند. و هیچ بید نیست
 اندک اندک باوی بالا گرفته تا رسماً بحنگ منتهی شود.
 در این گونه جسمهای مغلوبه هر دولت که مستعد جنگ
 و مترصد فرصت لاشته همیشه طبع را از راه خود
 مرقع دیده فائده بر میگیرد. عکس آن دولتیکه
 خویشتن را مستعد جنگ نساخته هماره خود را هوادار
 صلح و سلم جلوه داده بدین بهانه راحت طلبی را
 شمار ساخته یقیناً از طرفی شراره جنگ بدامانش سرایت
 کرده یا کس میسوزاند

هرگاه دولت ایران قوای طبیعی خود را بکار
 انداخته بود در این میدان فوائد کثیره حاصل می نمود.
 ضد آن امروزه اگر روسها شکست خورده مغلوب
 شوند سایر همسایگانش که بواسطه رقابت روس از نیل
 به بعضی منافع خود محروم مانده اند یقیناً فائده
 خود را حاصل خواهند کرد. مگر اینکه اقبال ایرانیان
 بیدار شده سایر همسایگانش نیز در این جنگ یا در
 جنگهای دیگر اشتغال بهمرسانیده ماها به اعمال اضمحلال
 چند روز دیگر آسوده مانیم. بی در سایه رجال کم دانش که
 قوای طبیعی ملت و دولت را معطله و بی کار گذارده اند
 سلطنت ایران را مواقع نیکو از دست رفته و امید نیست
 که اگر بدین حال اضمحلال باقی مانیم سلطنتی جز برای

چنین موقی ملزا دست دهد که بتوانیم حقوق از دست
 رفته خود را بچنگ آریم و یا را اقبال خویش مطمئن
 باشیم.

هفته گذشته نوشته بودیم که هرگاه بین دولتین روس
 و ژاپون تنور جنگ گرم شود ممکن در داخله روس
 بلوی بالا گیرد از تلکرافات این هفته ظاهر می شود که در
 ممالک شمالی روس جمعی سربانیگری بر آورده و از این سو
 دولت مشارالها جمیع حکام و فرمانفرمایان بلاد را در
 (پترزبرگ) طلب کرده که برای نگاهداری امنیت
 دستور العمل مجذاه اخذ نمایند. و نیز در یاد آوریم
 در کلیسا آرامنه روس برای فتح امپراطور مشغول به
 بوده اند دو نارنجک در کلیسا افتاده دو نفر قریب
 بهلاکت و جماعتی را مجروح ساخته است. این نکته ظاهر
 میدارد که مخالفین سلطنت در داخله ملک مترصد فرصت
 و منتظر وقت اند. هرگاه در داخله روس بلوا بالا گیرد
 دشواریهای عظیم دولت مشارالها را پیش خواهد آورد
 مشکلات مالی روس نیز دولت ژاپون را تا درجه
 قوی و مطمئن ساخته که خصمش تا دیر زمان نمیتواند
 در جنگ استقامت نمود. باینکه بواسطه جنگ سندات
 دولتی روس در صدی زیاده از شش تنزل نموده و صرافان
 مضطرب و حیرانند و چند بنگ روس قریب است
 ورشکست شود. دولت روس بجهت میلیون منات
 سندات دولتی برای فروش در بازار صرافان پیش
 نموده عقیده جمعی بر این است که سندات روس
 در این موقع بفروش نخواهد رسید و همین نکته سبب
 سکتة قوه روس در جنگ شده دم از صلح خواهد
 زد. دولت روس محض اینکه حریف را بخوف و هراس
 اندازد و صرافان خویش را مطمئن سازد فروش
 سندات جدید خود را اعلان خواهد داد. ولی نکته
 سنجان میدانند در این موقع که سندات دولتی روس
 بدین پایه تنزل نموده سندات تازه او فروش نتواند شد.
 همین اعلان قرصه جدید روس دشمن را قوی و مطمئن
 نموده ظاهر میدارد که اداره طایفه روس متحمل
 سطوری این جنگ بزرگ تا مدتی دراز نمیتواند شد.

اگرچه هنوز آغاز حرب و میدانی که شایسته این جنگ بزرگ است بین دولتین متنازعین آراسته نشده - تاکنون تلگرافات واصله فتحمندی ژاپون را میرساند - و خسارات روس را نسبت بژاپون زیاده می نماید - ولی اینگونه فتوحات را از برای این جنگ عظیم و انگیزی در آغاز حرب نمیتوان فتح مندی تصور کرد - اگرچه قوای بحری ژاپون و حرکات نظامی او را در دریای چین جمیع جرائد بهر زبان تمجید نموده و تصدیق مینمایند - ولی در (کوریا) و (منچوریا) قوای بری بیشتر در کار است قشون ژاپون در خشکی با قشون روس نتوانند مقابله نمود جای شبهه است - چه حرکات نظامی قشون روس در بر وقوام و استقلالشان در برابر خصم مصدقه دول روی زمین است - مسلماً هرگاه دولت روس را مواضع خارجی از قبیل مالیه و افتشاشات داخله و دودی راه عایق نشود شکست وی در چند میدان فتحمندی حریف را غیرساند - این نکته را تواریح جنگهای روس با غالب دول نیکیو میناید - ولی جنگ زمانه حاضر را نمیتوان مانند قرون سالفه تصور نمود - فتوحاتیکه نادر با آن بی اسبابی در آن زمان نموده ولو اینکه کسی را صد اسباب نادری امروز جمع باشد نمیتواند حاصل کرد اسکذون میزان قوای جنگی هر دولت بسته بقوه مالیه اوست دولت انگلیس را در میدان جنگ افریقای جنربی رویم رفته برای هر فرد ارسپاه یک ابره روزانه صرف بقلم آید - بلی هرگاه بین عده قشون و همارة خزینه تناسب نباشد از دیاد قشون در جنگ بجای سود زیان بخشد - دولت ژاپون را اگر چه عده قشون سبع روس نیست ولی قشون و خزانه او را تناسب هست و زاید بر اندازه قشون ژاپون نیز دولت روس را مشکل است در اقصای شرق بتواند لشکر بمیدان جنگ رسانید با این همه امروز احدی نمیتواند از طاقت جنگ خرد دهد - تا چه زاید صحر شب آبتن است

تلگرافات

(۲۵ ذی قعدة - ۱۲ فروردی)

در مراسلات خود امیرالبحر (ناگ) حالت

کشتیهای جنگی ژاپون که هشتم شهر جاری در بندر (آرتور) نموده بودند تذکره نموده می نویسد که درین حمله چهار نفر ژاپونی مقتول و پنجاه نفر مجروح گردیدند § دولتین آلمان و چین اعلان بی طرفی خود را در این جنگ داده اند

§ سفیر روس از پای تخت ژاپون بجانب اروپا حرکت کرد

§ اهلی ژاپون که مقیم لندن اند دفتر اعانه برای مجروحین ژاپون باز نموده (بارن هیاشی) سفیر ژاپون در لندن نیز دفتر اعانه برای ارامل و بازماندگان مقتولین جنگ ژاپون کشوردماست

§ در ممالک شمالی روس بلوایشان سربیاخی گری بر آورده تمام حکام صوبهجات را در پتوسبرگ طلب کرده در اسناد بلواهای داخلی مهورت نمایند (۲۶ ذی قعدة - ۱۴ فروردی)

§ مراسله یکی از سربداران روس در پاریس اشاعه یافته که دولت ژاپون دولت چین را مشوره در بی طرفی داده تا جنگ را اهمیت زیاد نمود - علاوه بر این ژاپون میدانست که معیت چین در جنگ با او مزید بر قوت وی نخواهد گردید - دولت ژاپون بر دولت چین همیشه در حق خود را ثابت نموده که با کسایک مخالف آزادی او هستند بجزگ برخاسته است

§ تلگرافیکه از (نکاسکی) به (نیویارک) رسیده ظاهر میداره که در جنت (چلفو) چهل سرباز و افسر روس مقتول و چهار صد و شصت و چهار نفر مجروح شده اند

§ دولتین انگلیس و فرانس اعلان بی طرفی چین را در این جنگ که ریشی بحاس حکمیت لاهی داده منظور نموده بید نیست دولت روس نیز قبول نماید -

§ مجید (روتر) از تینت سن (خبر میدهد که ده هزار جیناوی از (باوتسکفو) بطرف (شامو سکوان) حرکت کرده که جلوگیری حنبجاوزین بمقتوف چین را بجایند

ژاپونیهایی نیم (منچوریا) را گرفتار نموده به سندر آرتر فرستند. دولت ژاپون از این حکم خلاف قاعده جنگ بدون اتذاری رجوع نموده که با دولت روس مجامه نماید

§ در دارالشورای ملی انگلستان (ایگرس وکلس) در جواب سؤالی اظهار داشته که تاکنون دولت انگلیس عطف توجه به گذاراندن کشتیهای جنگی دریای سیاه از بوناژ (داردنلز) نه نموده و گمان نمیرود که دولت روس برخلاف مامور دول سائر اقدامی نماید و از دولت عثمانی خواهش کند

(۲۸ ذقده - ۱۶ فروری)

§ از واشنگتن خبر رسیده که بیست هزار قشون ژاپون در (جافو) وارد شدهاند

§ حرکات قشون بری و بھری ژاپون خیلی منظم و با قاعده است. آنچه محقق شده سیصد هزار قشون ژاپون مستعد و آماده جنگ بری شدهاند این تدارکات جنگی را دولت ژاپون شانه نموده ازین رو مورث بسی تشویش گردیده است

§ انقلاب بندر (آرتر) کجا کان برقرار است و هیچگونه اسباب آرامی مشاهده نمیشود

§ ده کشتی جنگی ژاپون که تازه خریداری نموده بود وارد یکوهاما شدند

§ دولت روس پنجاه میلیون منسات سندات دولتی در بازار صرافان برای فروش اعلان داده

§ دسته کشتیهای روس را حکم شده که تا رسیدن حکم ثانوی در (جیوتل) توقف داشته باشند

§ اقوام است که عده زیادی از قشون ژاپون با چند فروند کشتی (کروساتز) بجانب دریاچه (لیانتک) حرکت کرده قصد خراب نمودن راه آهن قرب بندر (آرتر) را دارند

§ مخبر (روتز) از (تیت سن) خبر میدهد که (پوان) بسیر انگلیس اطلاع داده که قشون چین در جانب (کنجوا) و (کویا کرو) برای حفظ سرحد حرکت کرده - نه بجانب (شانیکوان) که شهرت یافته است

؟ مه هده دواتین سیام و فرانس در باس پاسا روسیه حقوقی را که دولت فرانسه برای نمایندگان خود خواسته بود تا زمانی که سرحد بندی جدید نشود حاصل کرد - علاوه بر حقوقی که دولت فرانسه سال هرار و ونسند و ... ملادی روسیام حاصل نموده از روی این عهدنامه حقوق سیاسی و پاتیبکی فرانسه در (سامس لو) که اسو حل دریاچه است حاصل و در بعض مقامات ساحل دریاچه نیز حقوق میتواند حاصل کرد (۲۷ دی قده - ۱۵ فروری)

§ ارتگرن (سب - س) که باخبر (استنورد) ... خبر می شود که بتاریخ دهم و یازدهم در بندر (آرتر) جنگی سخت شده روسیان پریشان و پراکنده و ... بندر (آرتر) عودت نموده چند کشتی روس خبر ... سان دیا و یک فروند کشتی ژاپون نیز معدود ... است

§ خبر (روتز) در (تیت سن) خبر یافته که مسئله قلعه (شاهیکوان) فصل یافته و تاکنون قشون از (تانگین) وارد نشده است

§ خبر روسیه از بندر (آرتر) رسیده ظاهر می دارد که نودده هزار قشون ژاپون در (چلمو) رسیده اند § امیرالبحر روس (الکس اف) رسماً خبر میدهد که برای خراب نمودن راه آهن منچوریا ویل (سنگاری) سی شده ولی قبل از وقت اطلاع حاصل نموده محافظین کامل بر راه ویل گماشته شد

§ مخبر (روتز) از (سیدول) خبر میدهد که دسته از کشتیهای ژاپون که شش جهاز موشک و پنج (کروساتز) بودند در (چلمو) رسیده دو کشتی روس را گرفتار نمودند

§ مخبرات روسیم بین (جافو) و (جیفو) جاری شده (جیفو) بندریست که در جنوب (شانتانگ) چین و در مغرب (ویهایوی) واقع و سیصد و پنجاه میل فاصله بین (جیفو) و (جیفو) است

§ امیرالبحر روس (الکس اف) حکم نموده که نام

مکتوب از بصره

ترك سرگردان

مؤید الاسلام - خداوند عالم زیاده بر این توفیقات خود را شامل حال جناب عالی بکند - که در نشر معارف و منافع عامه و فوائد اسلامیة اهتمام بیشتر از پیشتر فرماید

این اقل الحاج محمد رحیم قفقازی بمزم مکه معظمه حرکت کرده اوایل شعبان وارد کاظمین علیها السلام شد - بعد از چندی مریض شده قدری از وجوه امانت نزد من بود اندکی هم از مال خود عزم داشتم بمواقع شرعیہ رسام بعد از ترس مرض که شاید اینکه قاصد اجل در یابد عریضه بخدمت بعضی از علماء اعلام نوشتم که امینی معین فرمایند برای اخذ وجوهات

پس از چند روز چند نفر از سادات و طلاب حوالجاتی آورده بنده قبوضات را گرفته تمام وجوه امانت را بصاحبان قبوض تسلیم کردم چونکه صاحبان این وجوه بمن داده بودند که خدمت علماء بده دادم لکن وجوه بریه خودم را از بابت زکوة و خمس و سهم امام در کاظمین علیها السلام بفقراء و سادات و طلاب فقیر کم کم میدادم

روزی بعضی زنان بیوه از علویات وغیره با چند نفر صغیر منزل من آمدند آنروز مرضم سخت تر و از حیات خود مأیوس بودم وجهی معتدبه بآنها تقسیم کردم - شب چهارشنبه پیمت و یکم شعبان نصف شب حالم منقلب شد نوکرم را صدا زده بیدار نشد از غایت اضطراب خوابم ربه بود یا بحالت غشوه اقتادم در آنحال خدمت حضرت موسی بن جعفر علیها السلام رسیده فرمودند محمد رحیم بواسطه این صدقات که بدست خودت بفقراء و علویات دادی خداوند تورا عذاب داد و اجل موهود تو تاخیر اقتاد و یک کله از فرمایش آن نزرگوار بخاطرم ماند و آن اینست شافک الله فوراً از خواب بیدار شده در حالتی که خیس عرق بودم

بخدمت هانروز حالم خوب شد اواسط ماه رمضان بکربلای معلای و نجف اشرف مشرف شدم خدمت آقایانیکه مرمود بود این وجوه امانت بآنها داده شود مشرف دست مبارکشان را بوسیده بخشم مالیده بعد از ساعتی مطالبه وجوه بریه امانتی را از حقیر فرمودند اول تمجب کردم بعد عرض نمودم از کاظمین علیها السلام عریضه عرض کرده بود محبه ناخوشی خودم قبوضات بمهر حضرت مستطاب عالی آوردند همه را تسلیم کردم حلی تمجب کرده فرمودند من چنین قبضی نداده ام حقیر فوراً قبوضات را حاضر کرده نشان ایشان دادم انگشت بدنشان مبارک متفکر شدند پس از ساعتی روی مبارک بآسمان کرد فرمودند خدایا این اجزای اطراف مرا هدایت فرما حقیر از این حرکات ایشان مهیوت و گیج شدم آهسته عرض کردم آیا این مهر مبارک نیست بعد از تأمل فرمودند بلی و آه سردی کشیدند که حقیر واقعا از تفکر و تألم ایشان متالم شدم - عرض کردم اگر مهر حضرتعالی نباشد حقیر مجبوراً این وجوه را از جیب خود ضرر میکنم - فرمودند خداوند تورا جزای خیر بدهد من خودم قبول کردم باز آهی کشیدند و مکرر فرمودند خداوند اجزای اطراف مرا هدایت کن من جسارت کردم که چطور ممکن است که مهر مقدس را بی اطلاع بردارند فرمودند بلی در خواب و حمام با وقت مهر کردن استفتاء تدلیس و اشتباه میکنند - اما حاجی تو این خبر را چندان افغانکن لکن بدوستان و محارم خودت همین قدر بگو و بنویس که بعد از این اگر وجوهات خواستند بفرستند حواله ندهند و قبوضات مهر مرا هم قبول نکنند بلکه با آدم خاطر جمع بفرستند که بلا واسطه بدست خود من بدهند بعد از این هیچ اطمینانی بر اجزاء حق بهیتر خود هم ندارم - عرض کردم کار بر مردم سخت میشود ممکن نیست همکس وجوهاتشرا بمتبات بیاورد - فرمودند کار شریعت سهل است خداوند امر را بر عباد

خود سخن نکرده. اولاً در محل خودشان برآهست
 بدست خودشان بآنها بدهند. اگر نپذیرد باید بزوا
 امین فرستاد. اینجا که بدست خود ما دادند و از
 واسطه. اگر مدتی تأخیر هم بشود عیب نیست. این
 مرخصی خواسته زانو و دست مبارک را بر زمین مرخص
 شدم. بعد از آن يك دو محضر دیگر شرفیاب کردم
 صورت مجلس بدم شبیه مجلس اول شد که شرح بذا
 بیست. نمونه همه این بود که صریح شد. بعد
 سرگردان ماندم که این وضع ضریب است که در
 بعضی از حجج اسلامی پیدا شده. اول تفحص در
 طلاب و فقرای نجف کردم معلوم شد که جمع آن
 از طلاب و ذوی البیوت و عنوبات هستند که بنشان
 شب خود قادر نیستند. محرمانه با بعضی طلاب صحبت
 کرده دیدم دل پر خون در نجف بسیار و احساس
 گرسنه پیشار است. از حال وجوهات پرسیدم و آن
 می نفر از فضلالی طلاب را دیدم همه قریب باین
 کلام گفتند که اطراف هر يك از آقایان جماعتی هستند که
 هر يك صاحب خانه و دکا کین و املاک شده. خصوصاً
 بعضی از آقارادها که در خود نجف اشرف و در قراء
 اطراف قراء صاحب ملک و باغ و عمارت شده اند
 اینها همه از وجوهات سهم فقراء است در حالتیکه در
 نجف اشرف تنها زیاده بر پنج هزار نفر گرسنه و بی شام
 میخوانند ولی این بیچاره طلبه های گرسنه از ترس
 نمیتوانند کلمه حرف بزنند. این است مختصر تقریر
 جمعی از فضلالی نجف

شب با دو نفر از فضلالی نواحی اصفهان و عراق
 نشسته در ضمن صحبت یکی گفت جناب حاجی پانزده سال
 قبل از این آقای خانه اجاره کرده بود پاهای دو
 تومان از عجز ادای مال الاجاره شکایت میسکرده حال
 غیر از خانهای مای ماهی زیاده بر یکصد تومان اجاره خانه
 میدهد برای خواص اجزاء. دیگری انگشت بلب گرفته
 ماداره گفت اس حرف نزن. هر چه در این رشته
 جنحه کردم دیدم همه مستحقین شای اند. هر سال

یکان سایر دو سکرور تومان وجوهات بعتبات
 می آید. یقیناً این اوقات پنجاه هزار تومان از همه جهت
 بنراه می رسد. من گپیچ و پیچ سرگردان همه روزه از
 طرف حویلی حال نجف اشرف بودم. خانه که
 منزل کرده بودم بنائی داشتند از بنا وضع بنائی نجف
 اشرف را پرسیدم. ضمن صحبت گفت سه چهار سال
 است ما هر چه بنائی میکنیم مال آقا زاده ها و اجزای
 آنان است

بعد از فضلالی زیاد پرسیدم که آیا واجب است
 حکما وجوهات را از ابران بعتبات بیارند گفتند
 اگر در بلاد خودشان فقیر باشد تقاضای بجای دیگر
 حرام است. باید بدست خود بفقرای بلاد خویش
 بدهد. و اگر در بلدی فقیر نباشد و بنا شود که
 نقل کنند البته نجف اشرف بهتر است. اگر چه بعضی
 میگویند که اگر در بلدی فقیر نباشد بیلاذ مجاوره قریب
 باید حمل کنند و بفقرای آنجا بدهند نقل به بلاد
 بعیده جایز نیست لکن اینها مسائل شرعی است باید از
 اهل علم بر فرض پرسید چون وضع را این طور دیدم
 لازم شد که صورت واقعه را مختصراً بشما اطلاع بدهم که
 جناب شما به ذریعه جرابد درج و منتشر فرمائید.

اینک هشتمی شوال بیصره رسیده و اینصورتاً برای
 جنابعالی فرستادم. خواهش دارم که در روز نامه عیناً
 درج شود که این مسئله شرحه است تا عموم مردم
 بتکلیف خود عمل نمایند. بر حسب سفارش حضرت آقا
 من اسم مبارک ایشان را تعیین نکردم البته مطلقین از
 اهل عتبات بهتر میدانند. که حقیر در این نوشته چه
 قدر خدمت همت کرده ام در حقیقت تنبیه نامه است
 برای آنها که میخواهند وجوهات را در راه خدا و
 رسول بدهند. باید اولاً بدست خود فقراء بدهند در
 ولایت خود اگر نجف اشرف آورند هم بدست خود فقراء
 سادات و علویات و سایر اهل علم بدهند. و اگر آنها
 نشد بدست خود خدمت یکی از آقایان برود بدون
 واسطه تعظیم نمایند. و الا با اینوضع خالیه برائت ذمه برای

دهنده حاصل نمیشود - حال من بر این مرض شامد
صادقت راه راست اینست که هرکسی از اغنیاء و
صاحبان بصیرت که بزارت مشرف میشوند از طلاب
متفرقه محرمانه وضع وجوهات را بپرسند که چه تسه
گرفته میشود و بکجاها خرج میشود - طلاب و غرض
و با سواد مقدس در نجف خلی است از آنها رسیدگی
نماید تا راستی و صداقت حالات ظاهر و هویدا
شود - اگر هر باقی ماند از جده یا مکه شرح
واقعات را عرض خواهم کرد محمد رحیم

مکتوب یکی از مبصرین

یا تقریظ بر کتابچه موسوم بدیوان

(اشک الدهر و ابکانی)

سبب خلده و فرح و مسرت اینست که در
شماره ۲۰ و ۲۱ نامه مندرس مکتوب بادکوه
موسوم بکتابچه دیوان را مطالعه نمود - الحق
دارای هزارها باب حکمت و علم و سیاست و تدبیر و
دانش بود - بدون انحراف تمام جراید فارسی حواه نام نا
ناقص و نامه مقدسه جبل المآین که اکنون یازده سالست
در اتمام نقایص و انتظام امور دولت و ملت بحث
میکنند و از هزارها مردمان دانشمند حکمت پژوه
مقاله های سیاسی بالفاظ مختلفه و عبارات متشابه درج
و مدر روشن ضمیر آن همواره بآراء صابیه خود
راههای بدولت و ملت فرموده گفتگو مینمایند - میبچیک
تاکنون باصل مطلب و ماده مرض و بیماری و
علاج و مداوای آن پی نبرده و طریق معالجه و شروع
در کار را ننکاشته - اگرچه همه محسب خیال و افکار
خود چیزی فهمیده و علاجی ننکاشته اند بمضمون

نوموی بینی ومن پیش مو

نو ابرو من اشارنهای ابرو

میچکام بر خرابی و تباهی و بربادی وطن و
ایمان آن آگاهی نیساخته تا در پی عمارت و آبادی آن
برآیند - و رأی خود را آشکار سازند - بجز نگارنده این
مکتوب حکمت مسلوب که بی بیانی شافی و کافی بدون

نعمیه و الفاظ با کمال اختصار و ایجاز بپرامین حسی که
مر دبشهری بچوبی حواحد فهمید واضح و آشکار
نموده که عیب کار از کجا و شروع مرض از کدام
عصره طر گردید - ابتدای علاج ارجه طرف و کدام
دها مید نمود تا بیکر عاقل صیغ محض وطن
را از مرگ و العدم رهپاید بس از دیدن این نامه
نامی و تحیده گرامی هر کس رأی بدهد و غیر از آنچه
در آن درج است خواهش از دولت بنماید جهت و
نادانی خود را ثابت نموده دولت عايله هم اگر باین دستور
العصل حکیمانه عمل و رفتار نماید دیگر کسی را نباید
امید بهبودی و اصلاح بپاند و معلوم حواحد شد که
خداوند تعال را اراده ازلیه بر هلاک و دمار وطن و
ایمان آن تعلق گرفته - چنانچه در کلام مبین فرموده
(و ادا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيا فاستقوا فيها فحق
عابها الدول فدمرها تدمیرا) - نمود بالله من تحقیق
الله والهاک والتدمیر و نسئله ان یؤید سلطاننا و
درواهه للسیاسة والتدبیر وایباع رای هذا العالم الخیر الذی
بالاتباع جدید -

اما سبب حزن و بکاء و گریه و زاری و اندوه
آنکه نمیدانم این وجود محترم که نگارنده مکتوب است
بچه ظلم و بیداد و آمدی و اجحاف ظالمان و خائنان
و دشمنان دین و دوات خالك بك و وطن مقدس را بدرود
کرده چشم از اقربا و احباب و اهل و اولاد و برادران
و وطن پوشیده بیلاخه خارج و ممالک غیر رفته از دوستان
بریده بادشمنان پیوسته - باوجود این اعتراض و نکوهشی
که نامین الضرب زاده در باب اعمار ملک و عماره خانه
دشمن و چشم پوئی از وطن خود نموده گمان نکنم
خودش باختیار خود بدون اضطرار و سبب و جهت
دست از خانه و آشیانه برداشته روی فرار بسوی
اغیار آورده باشد

دیگر آنکه چنین وجود محترمی که ایافت هزارها کار
را داراست و سزاوار است دولت و ملت از وجود
محترم هرگونه فایده بر دارند نمیدانم در یادکوه بچه

پشه و کار مشغول و از برای امر معاش بجه مشکلات
 دجاست - چه درباره این گونه مردمان غیور وطن
 خواه هرگز گمان نبرود که بخدمت دولت و ملت دیگر
 بن در دهند و باطاعت بیگانگان گردن نهند محصل
 امر معاش هم لازم ناچار باید ولو بمزدوری و فعلی
 امور معیشت خود را انتظام دهند تا از ذلت احتیاج
 بیرون آید - افسوس هزار افسوس کاش اهل غیرت و
 حبت بمردند و باین جور ظلمها و بیدادها پی نبردند
 و پیش ازین بظالمهای روسی مبتلا نمیدادند !

خداوندا پروردگارا بجزمت مغربان درگاهت رحمی
 بر ما تفضل بنما عقل و هوشی بدوات و ملت عطا
 فرما - که کشتی طوفان زده ملک را از دریای فخر
 مهالک بساحل نجات رسانند با جنگیز خونریز را بآنکیز
 راقم (م ص - ح)

مکتوب از طهران

مسئله ترک سلاح و صلح و صلاح

(بسمه تعالی)

(و انزلنا الحديد فيه بأس شديد)

مدتی است که صراخ صلح و صلاح در آفاق ارض
 سیرانی - و در افواه مردم دورانی دارد - علی الخصوص
 پس از کنفرانسی که بتشویقات مسیح پسندانه اعلیحضرت
 (نپولای دوم) امپراطور ممالک روسیه چندی بر این
 در (لای) پای تخت هولاند انعقاد یافت - بدیهه کوس
 آشتی با شکوه تر و ولوله غیر صلح پروری هر روز
 بلند تر گردید -

ناطقه پردازان این معنی را برای خود آلت فصاحت
 قرار دادند - منعیان و شاعران این افسانه را حقیقت
 پنداشته هروس فکرت را با آن پیرایه ها بستند -
 و در نظر زود باور مردم مانند لعلی طناب جلوه
 گرش داشتند - غافل از اینکه

سکندر که با شرقیان حرب داشت

در خیمه سکونید بر غرب داشت

چو بهمن زاولستان خواست شد
 جب آوازه افکند و ار راست شد

این خود رسم پواتیک شناسان است که هرگاه
 بخواهند چشم اتباه مردم را از مقصدیکه در مدنظر
 دارند بگردانند و به نقطه دیگر متوجه سازند چنین
 شعبدها بر می انگیزانند - و سرهمه را با نازیهای
 گوناگون که در زبان سیاست (اتریک پواتیک) نامیده
 میشود مشغول می دارند - محرك کنفرانس صاحب
 مقاصد بزرگ ریر سر دارد از حدود عنای گرفته تا
 اقصی حدود چین و تبت یعنی تخمیداً دو ثلث آسیا
 مطمح نظر قوم اوست - ریشه که از بیست سال
 باینطرف این دولت در سایه غفلات اولیای دولتمان
 در خاک ایران انداخته مشکل است که پس از این
 بنبروی فن سیاست برگزیده شود - سفرای هر دو اق بهر
 جایکه از طرف دولت متبوعه خود گماشته آیند بهر
 فرصتی که دست میدهد در حراسمت حقوق دولت خود و
 جلب منافع قوم و ملت خویش صرف نقود و بذل مجهود
 میکنند - بعکس نمایندگان با قابلیت و گماشتگان برحمت ایران
 که بهر اقلیمی که فرود آیند نخستین کاری که میکنند
 تبصص با تاجداران دیار بیگانه و جبهه سانی بر آستان
 مرحمت شاهانه است - تا بدین وسیله سینه خود را با چند
 نشان مرصع گوهر بار و انگشت خویش را با چند سنگ
 نبن آندار بیارایند - و آزار مایه سر فرازی در میان
 عوام کالهوم شایزند - و چنان پندارند که در حقیقت
 با این خوش آیند گوئیها و جابلوسیهها خدمتی بوطن
 خویش کرده اند - اف بر این افتادگی تف بر این
 فرومایگی !

اگر نمایندگان ایران مقیمین دربار دول سازه از بیست
 سال باینطرف از مردمان دانای سیاسی برگزیده بودند - و
 اگر اندکی حبت و جزوی محبت بوطن میداشتند - و اگر
 از فرومایگان سست عناصر و کج نهاد نمی بودند - دولت
 ایران با وجود سوء نیت شخص اول هرگز ممکن نبود

زیربار چندین تکالیف سنگین دول همجوار برود -
باری کردند آنچه کردند -

چو باهم دو تن دوست گشتند و یار

یکی دزد شد و آن یکی پرده دار

هر يك از ارباب جراید و فکر و قلم ایران امروز
قلم مقدس را که در دست صاحبانش باید راه انبیا
را قانون و معایب نادانی را جاسوس باشد باین افسانه
آلوده گرداند - یا باقتضای ساده لوحی این سخنانرا
خود باور کند - و یا بخواند آن ارجوفه‌ها را در مغز
مردم سبکسر فرو نشاند - الحق اهانت بزرگی بوطن
خود کرده است -

در هنگامیکه تمامی دول روی زمین در هر
فرصتی که دست میدهد سخن از قدرت بری وشوکت
بحری خود میزنند و امنیت استقبالشان را وابسته به
اکمال تجهیزات لشکری و تأمین مهات عسکری میدانند
در عصریکه تمامی وقایع مستعدنه خواه در بساط سیاسی
و خواه در هر صده کشاکی ملی عاقبت حواله بسر شمشیر
تیز میشود - قرنیکه تمامی مسامی و مجهودات ارباب
حل و عقد دنیا و محمول افکار موجدان و مجددان
بدایع عالم معطوف به نقطه معتنای تزید قوت و
محصور به تشدید آثار سطوت و قهرمانیت می باشد -
در چنین زمان دم از مهربانی و یگانگی زدن و کوس
وداد و آشتی کوفتن از آثار بی خبریست - آدمی زادرا
استعداد بجنک و جهاد اگر نمی بود جهان آفرین
در آیات محکات مجاهدین را بر قاعدین تفضیل نمیزمود -
اگر قانونی معظم مانند قوانینیکه مدبر امور جمهوراست
در میان دول مجرا می بود - اگر دستق بالای دست قدرت
حکومتها میبود - و اگر حکمة حکمرانی برای تاجداران
کنار و برهم زنان آسایش اقطار دایر می بود - و اگر حرکات
ایشان مانند اعمال افراد ناس در میزان عدل سنجیده
و کیفر کردار هر یکی در آغوشش نهاده می شد در
آلصورت حق احتیاجی باندرز صالح پروران و سیاحت
آشتی جویان می بود و کارها بالطبع بروفق و خواه

هوا خواهان عالم انسانیه برای می افتاد و لیکن جوف
امروز اور جهان بر محور جنگ و جدال و حسد
و انفعال بگردد - و عموم اختلافات دنیا تنها
بیاتردی تیغ - تیز فیصل می پذیرد - چنین ایام
نخواست فرحام تکامل در آراستن لشکر و تهاون در
استوار ساختن حدود کشور از گناهان کبیر و
اهانت بتاج و سر بر است -

نگویم ز جنگ بد اندیش ترس

در آوازه صلح ازو پیش ترس

بساکس بروز آیت صلح خواند

چو شاد شد سپه بر سر خفته راند

در مقابل آن فعالیت ، استمجال که دول مغرب
زمین خاصه همسایگان حریصان در فراهم آوردن
وسائط لشکر کشی و اسباب کشور گیری بکار میبرند
آنچه بر ذمت وطن پروری ما متحم است تزید قوت
است به اظهار ناتوانی و رخاوت - زیرا که هر ندای صالحیکه
از دهن ایرانیان بیرون می آید علامت ضعف عنصر
ملت و برهان تزلزل بنیان سلطنت شمرده خواهد شد -
ایرانیان نجیب که تمدن چهار هزار ساله از بالای سرشان
نگران است نباید تن بهجز و درماندگی در دهند -
این ملت پاکزاد را چنان سزد که شمشیر دلاوری
بر کمر بندند و همواره لشکر آریند و منتظر فرصت
بنشینند - در حین لزوم حدود مملکت را و جب بوجب
نگاه دارند - و دست تعدی هیچ دشمن را بر خاک پاک
وطن که مدفن اجساد اجداد بلند نژاد آنها است نگذارند
تا اثبات شایستگی بفرزند می نموده باشند

یک مرده بنام به که صد زنده به ننگ

کسانیکه با سخنان صلح آمیز مردم را ترغیب
به ترك سلاح میبایند نمی دانند که گفته های ایشان
در نظر جهانیان یا معطوف بفضلت و یا متهم بنیرك
خواهد بود - چون قضیه ترك سلاح امروز ادعایست
وامی و از برای هر دولت وسیله نهای - و این قولی
است که جلگی بر آید -

در حین ظاهر انقلاب کبیر فرانسه چند تن از خیال پرستان، بی غزله در عرجا یافت میشوند مردم بشوات از افواج دین و صفا می دادند و میکنند صاحب فواستن، صاحب پروردن و سخن از سلاح گفتن بسیار نجات از خطرات جنگ است - این مردم قلم براد از ماضی بیکامند و نبی دیدند که کشور فرانسه از هر طرف محصور با دشمنان حراص جنگجوست - این افکار سرعت تمام در اکناف نواحی منتشر آمد - (آنگاه در دو بوماره) از سرداران معروف فرانسوی در نظر از رفقای او در سال (۱۷۹۰) فروری در فرانسه بود فرار دادند که بیان نامه بجمع دول اروپا فرستاده ایشان را از آمال صلاح جویانه فرانسه یادداشت کرد - هر چند که سیاسیون عاقل گفتند که چنین نامه در صورت نافع بساح عمومی نتواند شد و نتیجه معکوس ظاهر خواهد رسید - یعنی از علایم ضعف و ناتوانی مملکت فرانسه معدود خواهد گردید فایده نه بخشید - مجلس عمومی ملی در ۲۲ مایس (۱۷۹۰) فرار نامه انتشار داد که با آن تمهید مینمود که پس از آندولت فرانسه اعلان جنگ بعزم فتوحات نکند - و قوای لشکری خود را در نحو آزادی هیچ قومی بکار نبرد - در آن ایام سبب نوع انسانی برای مردم فرانسه در منزله آئینی استوار بود - وانگاب اعضای انجمن ملی بر سر این نکته متفق الکلام بودند - در آشنای مذاکره که در آن محفل بر سر این مسئله وقوع یافت (کازایش) که یکی از اعضای آن انجمن بود فریاد بر آورد و بررقای خویش بدین گونه خطاب نمود

اگر از من بپرسید من نه انگلیسها را نه روسها را و نه آلمانها را دوست میدارم - محبوب و معشوق من فرانسویانند و بس - خون یکی از همشهریان من در نزد من عزیز تر از خون تمامی ملل روی زمین است - این کلمات با اعتراضات شدید مجلس دوچار آمد گوینده اش مجبور به بریدن خطابه شد - مسئله در این بود که در آن هنگام هیچ کس گمان نمیداد که

دو سال پس زان فرانسه اباب جنگی بزرگ بر روی اروپا سرانجام کشید - و بسیاری از اجزای همان مجلس صاحب پرست هوا خواه نگاهداشتن فتوحات مکشوبه خواهد بود - زیرا که در آن اوان محفل ملی فرانسه در آن - نفوذ خیال پرستان متهور بود - نایب ملی فرانسه زمام اداره خود را بکف بی کفایت این دیوانه سیرتان خریدند سورت سپرده بود اهمای در نظام عسکر و جهدی در تسلیق مهبات لشکر نمود در ماه کانون ثانی سال (۱۷۸۹) اردوی فرانسه عبارت از یکصد و هشتاد هزار نفر بود - در ماه قوز (۱۷۹۱) عدد این لشکریان تا به یکصد و چهل هزار نفر پایین آمد - سیاسیون شدید الاطولر و مردمان متمهیح الافکار مانند (رد بسیر) سخن از لزوم برچیدن اردوی منظم را دائمی و بجای آن از تشکیل عساکر محافظه ملی میزدید - قسمت بزرگ اعضای دارالشورای ملی این رأی را صواب میدانستند و گمان می بردند که عسکر غیر منظم ملی مدافعه از حدود مملکت میتواند کرد - افسوس که حادثات تاریخ بی با بودن این خیالاترا در نظر جهانیان روشن ساخت - جنگهایی که دولت فرانسه در آغاز سال (۱۷۹۲) بدول دیگر اعلان نمود همه به بریشانی و اضمحلال این دولت انجام یافت - خاک مملکت آنگدکوب پای دشمن شد - اردوهای مجتمع الحركات نمسه و پروس تا به شصت فرسخی باریس پیش آمدند - کم حانده بود که نام دولت فرانسه از خریطه دول بکلی سترده شود - ولیکن فرانسویان از این مهله عبرتی بواجبی نگرفتند -

مدتی پس از آن در دور سلطنت (لوی فلیپ) بتازکی پیرو خیالات صاحب پروران شده از عدد لشکر خود بسی کاستند - تا اینکه (ناباپیون سیم) پس از وقایع سال (۱۸۶۶) که بمظفریت حکومت پروس انجام گرفت حکم به افزودن عدد سپاه خود داده تکلیفی در این باب بدارالشورای قوانین ملی نمود دارالشورای مذکور تکلیف را در نکال شدت وازد -

و (ژدل قادر) که یکی از سیاستمدان نامی فرانسه بود گفت -

با میگویند که باید فرانسه مانند دول همسایه خود مسلح باشد. میگویند که امنیت خاک فرانسه بسته به تفنگ و توب است - میگویند دکانهای فرانسه باید مملو از باروت و فشنگ باشد - حال آنکه وجدان من و عقل من معارض این بیانات است - حتی (اوزون پاتان) که یکی از ارکان الحکومه بود میگفت - که لشکر بمثابه زخمی بر بدن دولت است - نفوذ این رؤسا که زمام مصالح ملک را در دست داشتند قوت و تأثیری پیدا کرد که دولت فرانسه ناچار از تخفیف مصارف جنگ و از کاستن عدد لشکر شد - ظهور این حادثات مصادف با سال (۱۸۷۰) میلادی بود -

امروز که کلمه صلح در اطراف جهان بلند آوازه گردیده و حکومتهای یورپ با همدیگر دم از دوستی و برادری و اتفاق و برابری میزنند و کنفرانسها برای تأمین بنیان آسایش و توسعه دائره آشتی برپا میکنند باز بهر وسیله که ایشان را دست میدهد در صدد افزودن آلات حرب و ضرب و در عزم افراشتن راپات فتح در اقصی بلاد شرق و غربند - فی المثل دولت آلمان که فرستاده مخصوصی در مجلس صلح هولاند داشت امثال عدد لشکریان حاضر السلاح خود را بیاضد و هشاد و پنجهزار رسانید - عدد عساکر آلمان تاکنون باین مقیاس بالا رفته بود - همین دولت آلمان در سال (۱۸۹۸) میلادی دارای بیست اردو لشکر بود - امروز بیست و دو اردو دارد

از سال (۱۸۹۰ - تا ۱۹۰۳) میلادی یعنی در مدت سیزده سال مصارف وزارت جنگ این دولت از پانصد و نود و هفت میلیون که بود به هشتصد و هفده میلیون بالا رفته - و مخارج کشتیهای جنگی آن در ظرف همین مدت از یکصد و پنجاه میلیون به دو بیست و هفتاد و یک میلیون رسیده - و باز در مجلس رسمی دولت مشارالیه گفتگوی مهمی که هست بزید مخارج قوای بری و بحری

دولت از برای سال (۱۹۰۴) میلادی است با وجود این حقیقتهای روشن که دست تاریخ پیش چشم کوتاه بین ما میگذارد - بیاید اگر مردم باز تعصب را از دست ندهیم - و چو از آسایش و تن پروری نفع بی شمار دیدیم بار نگریم که السالغ خیر به مردهست دشمن را اسباب جنگ تو مددش ساقی و آواز جنگ بسا اهل دواک بسیاری شست که دواک رقتش بیزی ز دست

آنچه در خصوص دولت آلمان در این مقال گفته شد در باره احوال همه دول دست می آید از آنجمله ده آلهای انگلیس و آمریکا که تاکنون به بتسیقات لشکری اند می کرده و نگاه به آمل جنگجویانه دول دیگر بودند امروز بای رقابت در میدان گذاشتند و عساکر خود را برای وقایع اتفاقیه دنیا آماده ساختند - بخارجیکه دولت انگلیس رای عساکر بری خود امسال معین نموده دو برابر میزان مخارج پارسالی است - آری اکنون دست مردان جنگی بیوس نه آنکه که دشمن فرو کوفت کوس

حق برخی از حکمای مغرب زمین جنگ را بمثابه يك (ژبناستیک - ورزش) برای کسب ملکه و نژید رسوخ در افعال حیاتیه شمرده - گاه گاهی حکم بر لزوم جدال و اجرای نبرد و قتال نموده اند - و گفته اند هر قومی که مدتی مدید تکیه به بستر صلح و آسایش کند و تنها بصنایع خفیه از قبیل زراعت و تجارت اشتغال ورزد و صنعت حرب را مهمل گذارد در هنگام ظهور خطر پیش دشمنان بیسیر خواهد ماند و در صفوف کارزار باقتضای ناتوانی فرار را بر دفاع و قرار اختیار خواهد کرد - مانند اولاد اسرائیل که امروز صلح پرورتر از ایشان قومی در دنیا نشان نمیتوان داد - و علی رغم این صفت چون ناتوان و پراکنده اند لاجرم ذلیل و افکنده اند - در مقابل تفنگهای آتش زبان ناچار از اعتراف مجز و خذلاند -

بقیه تعرفه گمرک ایران

(عطف بمسابق)

انواع ساعت	۲۳
۱ ساعت قاب طلا	۱
دستگاه ۱ تومان	
۲ قاب نقره	۲
۳ غیر از طلا و نقره	۳
سینه و کشتی بانضمام اسباب و لوازم تجویز	۲۴
از قرار قیمت	
پنج درصد	
اشیاء و اسباب صنعتی و کلکسیون برای	۲۵
اطاقهای موزه و غیره	
معاف	
ترباک	۲۶
یکم ۶ تومان	
کاغذجات و متعلقات آن	۲۷
۱ کاغذجات تحریر معمولی سفید و رنگین	۱
بانضمام پاکتهای معمولی باستثنای پاکتهای	
رقم دار یا علامت دار و کاغذجبه و کاغذ	
گلدان تجملی	یکم پنج شاهی
۲ کاغذ و پاکت تحریر تجملی جعبه یا با رقم و	۲
علامت نقش یا بدون این علامات در قوطی	
و جعبه یا ظرف دیگر	یکم ۷ قران
کاغذ تحریر محتوی در قوطی حقوق گمرکی	تیسره
خود را با قوطی خواهد پرداخت	
۳ کاغذ اطاق	۳
یکم ده شاهی	
۴ اقسام دیگر بانضمام مقوا	۴
یکم ۵ شاهی	
۵ اشیاء و اسباب مقوائی	۵
یکم ۵ قران	
این قسمت عبارتست مخصوص از اسبابهای	
صحافی و مقوا سازی کتاب حسابیه و	
کتابهای بزرگ صحافی شده یا غیر آن - کاغذ	
و پاکت روی پارچه	
۶ عطریات از هر قبیل باضافه و عنایات معطر	۶
ضاد و کیمتیکهای معطر روغن و گرد	
برای زمیت خیر و آبهای مخصوص دندان	
از قرار قیمت	
پانزده درصد	
۷ اقسام پوست و متعلقات آن	۷

ملت هائی که پس مانده ترین اقوام اروپا است
 و مردمش قوت ایجاد و قدرت احداث هیچ چیزی را
 ندارند و اداره داخلیشانم محتاج به بی اصلاحاتست -
 باوجود این از برکت داشتن اردوئی معلم و سپاهی منظم
 از بی گریوه های سیاسی سلامت گذشته و استقلالش
 را از دست رها نکرده - فتوحاتی که پنج سال پیش
 از این در جنگ یونان هانیان را رویداد از وقایع است
 که خیال زوال این دولت را مدتها از سرها بیرون نمود -

پس مایه امیدواری ایران در جوانان وطن پرست
 مردانه حرکاتست - اگر کشتی طوفان زده ایران را
 راه سلامت و چاره نجاتی باقی است آن نیز در
 آسای نو برآمده و در فزایات نو دمیده تربیت دیده
 ماست - اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی راست سکه
 نوبتسالان مستعد ملت را بکالات عسکری تشویق
 علی الخصوص اولاد عشایر و قبایل خیمه نشین را که از
 دو سه میلیون متجاوزند برونق نظامات لشکری تسبیح
 فرموده قوه الظاهر مملکت قرار دهند - و احیای ملتی
 فرماید که وقت بسیار تنگ و نه هنگام درنگ است

دو تن پرور ای شاه کهور کشای
 یکی اهل رزم و دگر اهل رای
 قلمزن نگهدار و شمشیر زن
 نه مطرب که سر دی نیاید ز زن

نتیجه این بیانات آنست که تا حسد و بغض و
 شرارت مایه طینت بشر است - و تا از مال و حطام و
 از زنان مطبوع اندام دودنیا اثر است - قلع بنیان جنگ
 و ابطال تأثیر توپ و تفنگ تمتع خواهد بود

جنگ مانند آن عواصف شدید الهیوب است که گاه
 گاهی بتدی میوزد و ساحه هوا را از ذرات فاسده
 و از جراثیم خبیثه که رهن جیاند پاک میگرداند

بزرگی سراسر بگفتار نیست

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

۱	پوست بوه بغدادی يك من يکقران	۲	سایر محصولات باسمه و چاپ
۲	سایر اقسام پوست حشک کرده یا نمک زده		يك من چهار قران
	يك من ده شاهی		این قسمت عبارت است مخصوصاً از اشکال و اقسام تصویر و استامپ و غیره ورقه‌های جداگانه آنها یا در کتابچه‌ها، صفای شده یا شیرازه زده
۳	پوست دباغی شده		
	(الف) خز و سنجاب و غیره که درست شده باشد		
	يك من ده تومان		
	(ب) پوست دباغی شده و سفید شده و غیر آن		
	يك من ده شاهی		
	(ج) پوست ملون و چرم فرنگی یا پوستی که بطریق شاموا درست شده باشد تهاج یا پوست لاکینه		
	يك من سی شاهی		
۴	اشیاء جرمی از هر قبلی يك من سی شاهی		
	این قسمت عبارتست مخصوصاً از زین و منقلات آن و قسام تشکجه جرمی و نوار کفش دوزی که جرم آن بیشتر از سایر اجزای آن باشد - اقسام لقمه و غیره		
	باستثناء اشیاء تجملی و سایر اشیاء از قبیل جز و کش و کیف و چمدان و غیره		
۳۰	طروف کلی از هر قبیل باستثناء ظروف بخاری و مجسمه و تجمل آلات		
۱	سفال و آجر	۳۴	فصیل و علوفه
۲	سایر اشیاء کلی که فقط بخته شده باشند	۳۵	سقزولیر
	ده من ده شاهی	۳۶	ساککارین و سایر محصولات شبیه آن
	یکمن ده تومان		یکمن ده تومان
۳	اشیاء و اسباب بلوریمی و بارفتن از هر قبیل	۳۷	اقسام صابون
	يك من چهار صد دینار	۱	صابون معطر با وزن ظرف یکمن یکقران
	سایر اقسام آن	۲	یکمن ده و بیست دینار
	يك من صد دینار	۳۸	توتون و تنباکو
۳۱	محصولات شیمیائی از هر قبیل	۱	توتون نبریده و گی یا سائیده یکمن سه قران
	(الف) نمک سود	۲	توتون ساخته شده (بریده)
	يك من صد دینار		
	(ب) سایر اقسام ملح		
	يك من یکقران		
۳۲	محصولات باسمه و چاپ		
۱	روزنامه‌ها و ورقه‌های اطلاع و کلیه کتابهای		
	موزیک متنش یا قلم زنی مسطورجات		
	تخلیقه‌ها و سایر آلات تجاریه		

• همین قبیل آئینه صکه بجا و سی مطر
مربع یا بیشتر سطح داشته باشد

ده من دو تومان

۴۲ کالسکه و درشکه دو چرخه بزرگ و کوچک
عربا به از هر قبیل

۱ عربا به ترمطاس گری بزرگ و کوچک

عربا به دو چرخه کوچک - دو چرخه خاک

کشی و سایر دو چرخه بدون فنر بانضمام

کالسکه (لکونبو) متحرک بخاری و قطعات

لازمه جداگانه آنها

از قرار قیمت پنج در صد

۲ اقسام دیگر کالسکه و دورشکه و دو چرخه

بانضمام اتومبیل و کالسکه بان (و بسمت)

و غیره بانضمام قطعات جداگانه لازمه آن

از قرار قیمت ده در صد

(تمت)

• داستان روسیا •

(عطف باسبق)

• رفتن کترینه بقرم و با امپراتور •

• آرایش دیدن نمودن او •

از برای اندیشه که درباره کشور عثمانی داشت

نیره خود را (قسطنطین) نام نهاد و چند کس از رومیان

را به پرستاری او گماشت تا زبان رومیان را بیاموزد -

در روزگار جنگ دو بیست کس از روسی زانگان را

به نزد خود خوانده بود بدبستان گذارده درباره آنان

مهربانی بی اندازه بکار برد - و باندیشه خودش پسرزاده

اش را که فرمان روی (قسطنطینیه) انگاشته بود میخواست

به قرم که کشور روسرا میباید برده و خودش هم در

(کراون) دیهم شهریاری کشور قرم را بر سرگذارد -

پس در آرزوی گنمت و گذار بدان سوی بود

در سال ۱۷۰۱ ه گامیک آماده رفتن بود پسرزاده اش

چون رجور شده بود همراه بر دین نتوانست باچار

بهرای برخی درباریان و فرستاده فرانسوی و آرایش از

(ب) سایر اقسام سیگار رنگی و وزن ظرف

یکمن هشت تومان

(ج) سایر اقسام سیگار و توتون بریده

با وزن ظرف یکمن یکتومان

این قسمت عبارتست مخصوصاً از توتون

چیچی و انقیه و توتون خوراکی و عصاره

و سایر توتون موسوم به اپرس) و غیره

۳۹ اقسام صبیغ و رنگ و رنگ روغنی

۱ جوهر و رنگ جوهر و کلیه الوانی که با

جوهر درست شده اند ممنوع

۲ نیل و کرمس معدنی با وزن ظرف

یکمن یکتومان

۳ رنگ و ریس الکلی با وزن ظرف

یکمن یکتومان

۴ اقسام دیگر رنگ روغن با وزن ظرف

یکمن سه قران

• صبیغ و الوان غیرمذکور با وزن ظرف

یکمن یکتومان

۴۰ محصولات و مواد نباتی که مخصوصاً ذکر

نشده باشند معاف

۴۱ بلور آلات و شیشه آلات

۱ اشیاء بلوری و شیشه از قبیل تصویرهاییکه

با قلم یا اسد روی بلور درست شده باشند

بلون مینائی مطلقاً نقره مسی یا باس و

برکب دیگر (مذوجات بلوری) و

اشیائیکه از آن درست شده باشند باستثنای

ظروف بخاری و تجمل آلات

یکمن دو قران

۲ سایر اشیاء دیگر غیر مذکور باستثنای

ظروف بخاری و تجملی ده من ۴ قران

۳ جام شیشه ده من دو قران

۴ آئینه بدون قاب که بجا و سی مطر ربع

یکمن هشت تومان

بقرسورک بادایرات و شکوه هرچه بیشتر راهی شده پس از آنکه بشهر (قرمچوف) که در کنار رود (اوزی) است به بجاه کرو و کشتی کوچک آژین بسته و آماده نموده بودند نرفته و از برای دیدن دوست نخستین خود پادشاه (له) آمده بود در میان راه اندکی زیست - و پس از آن بسوی قرم رهسپار گردید و از آنجا که به کرو نرفته بودند کراسون مجابگی و تردستی هرچه بیشتر در نزدیکی و کنار رود خانهها و آبادانیها و دهات پشمار از برای نمایش بنیاد نموده و از جاهای دور گروه چند از زبردستان و سوداگران را بفرمان پوتنکین با چارپایانشان بداجا گرد آورده بودند و همگی را جامه رنگین پوشانیده و از پیشگاه امپراتور بجه میگذرانند - همینکه امپراتور بجه از آنجا میگذشت در دم از آنها آنان را برده در گذرگاه او بجاه و آبادانیهای ساخته و پرداخته که پیشاپیش آماده نموده بود جای میداد. و هم کترینه را از خود خوشنود و هم در دیده فرستادگان شاهان جهان بدروغین آبادی کشور را نمودار مینمود و در هر جا از برای کترینه بارگاهی زیبا آماده و آژین بسته بود و هنگام رسیدن کترینه چراغان مینمودند و بایزباشهای نمایان نمایش و بزرگواریهای بی پایان بروز میداد و چون در آن روزگار تا یک صد و پنجاه هزار سپاه در سامان قرم آماده نموده بودند در برخی جایها نمایش لشکری را به نمایش کشوری افزوده و نیروی خود را بدانان مینمودند. در یکی از شهرها دوازده هزار سپاه آراسته با جامههای نیکو آماده نموده و چهار دسته سواره و یک دسته قزاق هم بر آنان افزوده بزمایش جنگ واداشت و کالای هنر لشکریان را نمودار نمود. در آن هنگام امپراتور آتریش که از روی (ناشناختی - تبدیل) بکراسون آمده بود از کراسون برای پیشوازی بیرون آمده و در میان راه بیکدیگر رسیده همراه بیک (منطو - گردنه) سوار و از راه خشکی بشهر کراسون آمدند - چون در آنروز بیانی گروه

تاتار و روسیه گشت و کشتار و زد و خورد بروز نموده بود کترینه با چار چشم اردیبهیم گذاری پوشیده و بتماشای امبارهای پر از سازوسامان جنگ و ترسخانه کشتی سازی آمده و بتماشای به آب افکندن یک کشتی بزرگ (قایون) نام که دارای شست و چهار پارچه توب بود و کشتی (فرقتین) که جهل توب داشت و کشتیهای بشمار که در لنگرگاه بودند پرداخت و همچنین تمامای د رازه که در سردر او با روسی نوشته بود (در بست که به اسلامبول پیرو) رفته و در همین هنگام که آنا رفتن قرم بودند به پادشاه آتریش آگاهی دادند که مردم (باژیایی) شورش نموده اند. و برخی از نزدیکانش چنان رای زدند بهتر آنکه خودتان رفته آنان را آرام نمایید - اما پادشاه با خرد آتریش هیچ بروی خود نیاورده اندیشه خود را پنهان داشته بی آنکه بر بشارتی آشکار نماید شکستی بروش خود راه نداده و در رفتن قرم با کترینه همراهی نمود پس از رسیدن قرم از بزرگان آنجا با بخشش پیشداد دلجوئیها نموده با همه آنها پس از یک ماه و نیم که در میان او و پادشاه عثمانی ستیزه آغاز شد گروه تاتار کینه اندرونی خود را آشکار و دشمنی خود را بروس هویدا نمودند و در برگشتن که پادشاه آتریش و کترینه به (پوتنوه) که در سامان (له) میباشد رسیدند دو دسته سپاه روسیه که در آنجا از برای نمایش جنگی آماده بودند (نوا - تپیه) جنگی که در هفتاد و هشت سال پیش در میدان پتر بزرگ و (تمور باش - آهنین سر) نام پادشاه (اسوج) رویداده بود بیرون آورده و پس از آن اندک زیستی نموده رو بشهر مسکو روانه شدند. و از مسکو امپراتور آتریش کترینه را بدرود گفته بسوی کشور خویش برگشت و کترینه بسوی پترسبرگ روان گردید. و در این دید و باز دید امپراتور آتریش هم از کترینه و هم از پوتنکین بسیار خوشنود طند. و از برای همدستی با روسیه آماده گشت تا به همراهی بیکدیگر اردیبهیم پادشاهی روس را در قسطنطنیه بر سر نوبه کترینه

گذارند و اما جناحه کثرینه اندیشیده بود در چشم گروه تانار و لزی و کرجی و دیگر گروه ها این شکوه و نپایش خوش نیامده و درباره او بیشتر بدگمان شدند و با یکدیگر بیان هاند و بستیز و آویز با او آماده شدند. و این گشت و گذار چون از برای نایش بود جنیدی او را که دارای خوی خود پسندی بود خوشنود و خورسند داشت بهره دیگر بخشید و در این راه چهارده کرور منات بکار رفت. و چنانچه پس از این نگاهته خواهد آمد رخنه و ویرانیهای بسیار بروی کار آورد که روزگار دراز گرفتار رنج آنها بود

(باقی دارد)

مکتوب از مسکو

(۲۰ شوال سنه ۱۳۲۱)

خدمت مدیر محترم جریده شریفه جبل المین زحمت افزا میگردد. استدعا و خواهش دارم هرگاه مندرجات ذیل را مفید و قابل درج نامه شریفه جبل المین بدانند بلا مضایقه درج فرماید

در تقابص مملکت ایران هر وطن پرستی بنظرش چیزی وسیده افکار خود را خدمت مدیر گرامی جریده جبل المین معروض داشته و الحاق روزنامه شریفه در انتشار خود داری نکرده و مطالب مفیده را درج نموده است. ولی کتر از تجارت ایران و از ورود و خروج امنه آن ملک با ممالک اجنبیه دیده تا نقائص تجارت آشکار کرده که این جزئی تجارت ایران امروزه در ید کدام طائفه است و چه نوع اشخاص فایده آن را میبرند. ورود مال التجاره خارجه و خروج مال التجاره داخله بر همه کس آشکار است غیر از خود ایرانی و نمره تجارت ایران غیر از اینکه روز بروز ثروت مملکت را از دست اهالی بیرون کند و احتیاج را برای ایشان بدرجه برساند که باچار برای رفع احتیاج همه روزه نزد خارجه کردن کج کرده ذلیل شوند چیزی به نظر میبرد بحال کسی زار باید گریست که دخلش بود نوزده خرج بیست

تا چه برسد به مملکتی که دخلش پنج و خرچش پنجاه هرگاه از خود اهالی برسند میگویند خدا کریم است و انشاء الله کسارها درست میشود. درینصورت بجه امید میتوان منتظر آبادی چین مملکتی گردید و ز کدام راه انتظار جمع ثروت را میتوان داشت

عمده تجارت ایران با انگلستان و روسیه است انگلیس ها سالی علاوه از سی و پنج کرور مال التجاره خود را وارد خاک ایران میکنند و در عوض ۱۵ کرور مال التجاره ایران را بخاک خود میبرند و ۲۰ کرور ثروت نقدیه ایران را در عوض شیشه شکسته و کاشی وجودن و سرب و مسک و اسباب بازی اطفال و زیورات زناانه بدل و زری بدل و پارچه های پیدوام و رنگهای قاب مالک میدهند

روس ها هم در سنوات قبل تجارتشان با ایران برعکس تجارت انگلیس بود سالی تخمین بقدر پنج تنه الی هشت ملیان منات علاوه مال التجاره خود که به ایران داخل کرده عوض نخواه نقد از قبیل قهره و امپریال و طلا روی تجارت با ایران میگذاشتند. ولی در این سه سال آخر تجارت روس بقدری در ایران ترقی کرده که مساوی گردیده بایمینی که در این سال تخمین بقدر ۲۴ ملیان منات مال التجاره روس بخاک ایران وارد گردیده و بهمین اندازه هم مال التجاره ایران بروسیه خارج شده و عنقریب دیده خواهد شد که تجارت روس بدرجه در ایران ترقی کند که مساوی شود با تجارت انگلیس. باین معنی که روس هم سالی ده کرور از ثروت ایران مالک شود. چرا که امروزه هر ذیشعوری فهمیده است که ثروت در مملکت جمع نمیشود مگر بترقی تجارت و صنعت ولی اهالی ایران مطلقاً در خیال نبوده و نیستند. البته در خیال این هستند که روز بروز مال التجاره خود را بواسطه آن قلباتی که میکنند در بازار خارجه از رونق انداخته باشند و این جزئی تجارت خود را مطلقاً بیرون سازند

این وضع تجارت ایران است با خارجه حال بایست فهمید که فائده این جزئی تجارت صادره ایران بکیسه کی می رود و کدام طائفه از آن بهره ور میشوند (باقی دارد)

﴿ مکتوب یکی از بصیرین ﴾

(قابل توجه اساطین دین مبین)

آقای موبدالاسلام اهدایه تعالی را زحمت عرض میدهم - عنوان ذیل ارسال خدمت است محض توجه علمای اعلام درج فرمائید شاید اراذل و ایشام را از ظلم ظالمین نجات بخشید

قال الله تعالی (ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً و سیمولون سعیراً) با وجود این تهدید هرگاه کسی اعتقاد بقران مجید و صاحبش و قیامت و حشر و نشر و بهشت و دوزخ داشته باشد گمان نمی رود که اموال یتام و صغار را بپایل کند و بیچارگان صاحبان مال بقر و فاقه و گرسنگی و صرپانی و پریشانی و ذات بسر برند - بلکه در بعضی موارد از شدت جوع و پریشانی بدرود زندگانی گویند همه شکایت از ظلم مأمورین دولت دارند نه والله آب از سر چشمه گل آلود استی بضمون حدیث شریف (اذا فسد العالم فسد العالم) تمام فساد عالم از گران مایس بلباس میش است که بمنصه فرمایش حضرت مولی الموالی در خطبه شفقیه (یخضمون مال الله خضم الابل نبة الربیع) مال خدا و خلاق را مال خود میدانند و از شهد و شکر شیرین تر میشارند - و از هیچ چیز دریغ نمیکنند بعد از آنکه ملتبتین بلباس شرع اطهر و کسانی که خود را جانشین حضرت پیغمبر در نزد مردم جلوه میدهند حفظ مراتب و شئون و حدود اسلام را تمایزند و بیفای اموال صغار گرانید از دیگران چه توقع باید داشت خداوند بفریاد جمع قایل بیچاره رعیت ایران برسد که از هر طرف گرفتار دردهای بی درمان و سبیلهای خانه برانداز تمذیبات و اجحافات خودی و بیگانه هستند و بجز خداوند متعال دادرسی ندارند محض اطلاع حضرات مقدسه اساطین دین و حجج

اسلام و مسلمین مدظلالم العالیه علی رؤس المؤمنین واقعه که تازه رخ نموده عرض میکنم تا نمایان حضرت مقدس بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه الشریفة فداء) از حال پریشان بیچاره و عابا و غلامان آن بزرگوار مستحضر باشند و در دفع ظلم و جور و بیداد از آن بیچارگان کوشند

چند سال قبل حاجی علی رنگریز خوزانی از اهل سه ده - تعلقات اصفهان بجهت اینکه از اولاد بی بهره و مأیوس شده بود و مالی وافر داشت اموال خود را از نقد و جنس و بغ و شتر و زمین مصالحه نمود بجنابان آقای سید مهدی صاحب العناء فروشناسی و آقای میرزا علی محمد خوزانی (که عمره امام جماعت و حاکم شرع سه ده مزبورند) پیوسته تا عین بشروط چند که اختیار فسخ مصالحه مزبوره در مدت حیات با مصالح مومی الیه باشد - و ناظر بر آن قرارداد سرکار تفتة الاسلام آقای حاجی شیخ نورالله را که بعد از فوت مصالح مزبور با اطلاع و صوابدید سرکار ایشان مومی الیهها بشرايط مصالحه عمل نموده اموال مزبوره را بمصرف امور خیریه مذکوره در مصالحه نامه رسانند

از اتفاقات چندماه قبل ارفات حاجی علی مسطور خداوند متعال عز اسمه دختری باو کرامت فرموده چون صاحب اولاد شد مصالحه مزبوره را فسخ نموده و جماعتی را بر آن شاهد و گواه گرفته با آقایان مشار الیهها نیز اطلاع داد و پس از مدتی بیچار شده این دار فانی را وداع گفت آقایان مشر الیهها اموال متروکه آنرا کاشاً ما کان از نقد و جنس و منقول و غیر منقول منصرف و تاراج نموده برادر وار مابین خود تقسیم بالسویه کردند پدر زن متوفاه شهیدی اسدالله نام هر چه فریاد کرد کسی بدادش نرسید ناچار بشهر رفته خدمت سرکار آقای تفتة الاسلام حاجی شیخ نورالله رسیده عرض حال یتیمه صغیره را نمود - جناب معظم الیه امر اصدار فرمودند با آقایان مرقومین که تحقیق مرافعه را نموده بموجب حکم خدا عمل نمایند و حق صغیر را باو

برسانند اسدالله مزبور حکم سرکار مضم الیه را سه
ده آورده با آقایان نمود چون آشکار زیر حکم آقا
نخواستہ بنزد بلتره مدتی را گذرانیدند تا بالاخره
روزی در سمانه یکی از آقایان محترم مہمان بودند مدعی
با وکیل خود شہودی کہ بالغ بر ده نفر بودند
گذرانیدہ آقایان ہم در داد جبار شہادت آنها را نوشته
با خود بردند پس از آن ہر چند مدعی و وکیل او
دوندگی بر در خانہ آقایان کردند و تظلم و زاری و
ہجرت و لایہ نمودند بجزگم شوای مامون جوابی نشنیدند
صدی چہ خوش گفته

گر اضرع کی و گر فریاد

دزد زر باز پس نخواهد داد

الحال طفل یتیمہ صغیرہ بیچارہ با مادر ارملا اش در
کمال پریشانی و فقر و قاقہ بسر میبرد و آقایان کرام کہ
خود را حافظ و حارس شرع انور و مروج دین حضرت
پیغمبر صام میخوانند اموالشان را نوش جان میکنند
گویا فرماین حضرت مقدس امام المسلمین و امیر المؤمنین
صام را شنیدہ اند کہ میفرماید (اما سمعوا قول الله تعالی
حیث یقول تلك الدار الاخرة مجملها للذین لا یریدون
علوا فی الارض و لا فسادا) بلی والله قد سمعوا و وعو
ها ولكن حیات الدنیا فی اعینہم و ضاقہم زبرجہا و
زخرہا) میتوان بایشان گفت کہ از احکام الہی آگاہی
ندارید بلی باید گفت کہ اعتقاد ندارند و گرنہ ہر کس
اعتقاد داشته باشد ہرگز باین کار ہا اقدام نمیکنند
فی الواقع اگر طریق مسلمان نیست

آہ اگر از پس امروز بود فردائی

بی امیرا چرا بد میدانند؟ بواسطہ آنکہ کارہای
ایشان برخلاف حکم خدا و رسول بود - مگر کارہای
خود را نمی بینند؟ کہ بمراتب از بی امیرہ بد تراست - شنیدم
بر آقایان کسی اعتراض کردہ بود - جاوند تعالی میفرماید
(و لا تاكلوا مال الیتیم الا بالقی می احسن) چگونه
شاهان مال یتیم را میخورید جواب فرمودند ای نادان
خدا میفرماید مال یتیم را نخورید مگر بطریق نیکو ما کہ

اہوال یتیم را بمصارف غیر مشروع میسایم در نان گندم
و روغن گوسفند و گوشت مرغ و برنج صدیقی و آب
لیموی شیراز و قند ارسی و جای آغیر و تمباکوی حکون
و ایساس مہوت و شال کشمیری و عبای نائیفی و
دختران با سکرہ ماء طاعت حلال طیب طاهر حرف
میایم - نمیدانم از کدام کارشان بشالم آیا از مباح دانستن
مال ارامل و ایتم با از استہزاء بآیات حضرت فوالجلال
والاکرام نمودن من بیات العقل و قبح الزلل و بہ نستمند
و نستعین (م - ص - ح)

مکتوب بی مرضانہ

قابل توجه ادارہ معارف کلکتہ

(مؤالاسلاما)

ہردم از این بلغ بوی میرسد

تازہ تر از تازہ تری میرسد

در این عصر و روزگار کہ جماعت مسلمانان در
چار موجہ مصائب و بلایا مبتلا میباشند و از ہر سو
علائم و آثار بدبختی از برای آنها فراہم و آمادہ میشود
در ہمچو وقتیکہ آنها بجمہ انواع واقسام بلا گرفتارند
طرفہ این است کہ خودہا ہم بشہہ بریشہ خود میزنند
و اسباب بدبختی برای خودشان فراہم میاورند ای
کاش اینگونه حرکتہای زشت و بی معنی از جہال
سر میرد نہ از کسانیکہ در زمرہ عقلا و علما خود را
بشار میدہند - اگر چہ خواہید فرمود کہ در اینصورت
اطلاق لفظ عقلا و علما بر آنها چہ معنی دارد در جواب
عرض میکنم (برعکس نهند نام زنی کافور)

بر جنابالی معلوم امت کہ در میان جمیع اقوام و
ملل امکانہ معمول است کہ احترام آن امکانہ را از فرائض
معمول خود میدانند و ہم از منہ رسم است کہ حرمت
آن را واجب و لازم می شمارند - ولو آنکہ بعضی از
جہلہ و فساق آن قوم اعمالیکہ باید در آن مکان مقدس خود
یازمان محترم خویش بجا آرند نمی آورند - ولی در ہر
صورت حرمت آن مکان و زمانرا لازم می شمارند - چنانچہ
در میان ما جماعت مسلمانان علی اختلاف مذاہبیم حرمت

مساجد و مشاهد بزرگان دین و ایام ماه صیام و عیدین و جمعه و سایر ایام متبرکه را مقدس میدانند - و در آن ایام مها امتحان هر کس هر عمل و کاری دارد تعطیل میکند خاصه ایام ماه صیام را که در جمیع ممالک اسلامیة دست از اغاب کارها میکشند و علاوه بر مقدس دانستن این ماه هر کس از هر طبنه که باشد میخواهد بفرایغ بال بدون زحمت و اشتغال این ماه را صیام و صلوة و تلاوت قرآن و ادعیه و شنیدن مواعظ بگذراند و از وقتیکه بنای مدرسه العالیه در کلاکته شد تاکنون همیشه این ماه مبارک را کاملاً تعطیل میکردند - شاگردان آن مدرسه کسانی که ساکن این شهر شهر بودند در خانهای خود فارغ البسال مشغول عبادت بودند - و کسانی که از اهل قری و توابع و شهری دیگر بودند با ماکن خویش رفته با فراغ خاطر مشغول بصیام میکردیدند - این ایام مسموع میشود که (پرنسپل) فاضل جلیل مدرسه مذکوره بصلاح و مشوره بعضی عالم هایان جاهل و فاضل صورتان باقل میخواهند تعطیل ماه صیام را موقوف و برطرف کنند و این تعطیل را متصل نمایند به تعطیلی که در موسم گرما داده میشود

سبحان الله نمیدانم مقصود از تعطیل ماه صیام ملاحظه رفاه شاگردان مدرسه است یا ملاحظه رئیس مدرسه که مدت تعطیل گرما زیاد تا ایشان بفریفت در بیلاقات یا لندن رفته خوش بگذرانند - بلکه اگر از روی انصاف باشد و پرنسپل صاحب را ملاحظه ترقی شاگردان مدرسه منظور نظر باشد برای مدرسه العالیه لازم است تعطیل گرما را موقوف دارد زیرا که تعطیل گرما محض برای این است که طلبه از زحمت گرما محفوظ باشد و بجایهای سرد و خنک رود - اولاً اهالی بنگاله مادی بگرمایند و برایشان گرما چندان اثر ندارد - ثانیاً آنها را استطاعت و قدرت رفتن به بیلاق نیست و لازم هم ندارند - اگر بموض تعطیل گرما تبدیل در وقت تدریس مدرسه میکردند و وقت تعلیم و تعلم از صبح که تظیر قرار می یافت خیلی بوزنید و بهتر

بود که قریب دو ماه شاگردان بی کار نباشند طرفه آنکه ایام عبادت هنوز را در مدرسه تعطیل میکنند به تبدیل اسم - و تعطیل ایام عبادت اهل اسلام را در مدرسه آنها میخواهند موقوف سازند خیلی جای تعجب است - و عجیب تر آنکه مسموع شده بعضی از هلاء فرمودند که چون شاگردان مدرسه روزه نمیگیرند تعطیل برای چه - خیلی حیف است از کسی که در سلك عالم منسلک شود خود هم معلم مدرسه باشد اینگونه کلمات بر زبان جاری میکنند - بعوض آنکه تحریر و نحریر کنند ایشان را عبادت ترغیب و تحریک بعدم آیران می کند و در سلك عالم هم منسلک است - از این بهتر چه میشود

گر ازین دست زند طرب مجلس ره عشق ای بسا دل که بخونابه منتش باشد خوب غور بفرمائید که کار اهل اسلام بکجا کشیده است - با اینحال میخواهیم که ترقی بکنیم و با مردمان متمدن هم عنان باشیم هیات هیات حاشا و کلامن میخواهم از این حضرت مولوی صاحب سؤال کنم که در مدرسه شما چند طفل غیر مکلف هستند که روزه بر ایشان واجب نیست - علاوه بر این در میان آن اطفال غیر مکلف چند نفر هستند که بر او ایام ایشان لازم است که از اینوقت آنها را تدریس و عادت بر عبادت دهند - اگر این دو فرقه را مولوی صاحب محترم از عداد آنها خارج کند شاید جز خود جناب ابقان و پنج طفل دیگر باقی نماند که مرفوع القلم باشند و حال آنکه آنچه را بنده میدانم الا ماشاء و بدر تمام طلاب مدرسه در ایام صیام پایندی بصوم دارند - سلمنا قول جناب مولوی صاحب صحیح باشد و بنده بر غلط - آیا رواست که استعمال اینگونه الفاظ را نسبت مسلمین مثل جناب ایشان کسی بر زبان راند خیلی جای افسوس است لیکن چه باید کرد (کل اناء یترشع پافیه) حقیر خیلی تعجب دارم از جناب (پرنسپل) صاحب که با همت خیرخواهی ایشان برای اهل اسلام

چرا باید راضی باین امر شوند اگرچه هم دیگران ایشان را تحریک کرده باشد نباید راضی باین امر کردند لیکن مطالب همان است که اول عرض کردم که بلایا و فتن و مصائب و فتن از هر سمت متوجه باهل اسلام شده لهذا خیرخواهان ایشان هم در صورت وقوع حادثه یا سبب یا مایه یا مؤید از داد محبت و پایه میشوند - مگر (دمتی از تیب رون یدو کاری بکنند) زیاده بر این درد سر نبردم گفتمنی خیلی دارم لیکن (در خانه اگر کسی است یکحرف من است) واقم خیرخواه اسلام و مسلمان

مکتوبه از اسلامبول

راه آهن حجاز و ایرانیان

مؤیدالاسلام - ترجمه اسماعیلی و مؤید دانشمندان اسلام و سادات که اعیان حضرت اقدس سلطان با دوش و دبا - و سیاست عثمانی خلدالله سلطانه در تعمیر راه آهن حجاز - قیاسیم بر جمیع مسلمانان عالم با و ناستناد دارند و هر کس که در کفایه است خود یا فرزند و اقارب او ازین راه بهره بخواند گرفت - دولت عایه عثمانیه که تعمیر این راه آهن را موکول به اعانه مسلمانان فرموده نه این است که دولت خود از تعمیر آن عاجز و یا کمپانهای خارجه اقدام در قنطرات و تعمیر او نداشته و ندارند بلکه نکات سیاسی بسیار که قلم از نگارشش عاجزست در این اقدام سلطانی متصور است - چون این نکته بر غالب دانایان سیاست روشن و خارج از موضوع بحث است سخن نمیرایم

حقوق ... سرب اقدس سلطان بادایات و سیاست عثمانی در تعمیر راه آهن حجاز بجمیع مسلمانان عالم درجه مساوات را دارد - این است که در جمیع ممالک اسلامیة نیز بزرگان و همایند و تجار با هم راه آهن حجاز دفتر اعانه باز نموده در این عمل خیر - سارعت کرده وجه اعانه داده و جمع کرده بذریعه نمایندگان دولت علیه عثمانی یا راساً با اداره مخصوص راه آهن گسیل میدارند - و در اخبارات انتشار داده در دفتر عمومی باسم و رسم و قوم و

ملک ثبت می نمایند

خیلی . مقام تأسف است ملت ایرانیه که در طریق خیرات و میرات گوی مسابقت از جمیع ملل ربوده تا کنون حصه کاملی ازین خیرات نگرفته و بروز همت و علو طبیعتی نداده اند و حال آنکه همان فائده که رعایای دولت عثمانی ازین راه برده و خواهند برد اهالی ایران هم بدون ذره فرق حاصل خواهند نمود بلکه فائده ایرانیان پیش از دیگران خواهد بود که از دست جهلان و حمله داران و قطاغان طریق و سایر صعوبات که بیشتر از دیگران بآنها وارد می شود نجات یافته آسایش حاصل خواهند کرد - در متن واقع خیرین ایران باید بیشتر از سایر فرق اسلام از این اقدام اسلام پسندانه اعیان حضرت اقدس اسلامیان پناه ممنون و مشکور شده زاید بر اقوام دیگر در اعانه این طریق خیر سی و جهد نمایند - نمیدانم سبب چیست که تا کنون چنانچه شاید و باید بی بدین نکته اهم نه برده و آنگونه اقدام و همراهی که شایسته این ملت غیور با حمیت و همت است نه نموده اند - البته این نکته بر جنابعالی پوشیده نیست - هر قوم و ملت که در اعانه تعمیر راه آهن حجاز تکامل و تساهل نمایند اهم بر اینکه ازین فیض عظمی محروم مانده در آینده از مراعاتیکه در حق اقوام معاون این راه معین خواهد شد بی بهره خواهند بود چون در دفتر اعانه راه آهن حجاز نام ایرانیان نباشد مستحق ارزانی گرایه هم نخواهند بود آنوقت دیگران یک لیره گرایه خواهند داد و عجمها هفت لیره نکته سنجان ملت غیور صاحب همت و حمیت ایران نباید این نکته را از نظر دقت دور دارند ورنه هم خساره اخروی و هم زیان دنیوی خواهند یافت - ازین دو نکته نیز هرگاه چشم پوشی شود طعنه تیر آوران و شہادت اقوام دیگر هماره طایفه بحال ایرانیان خواهد بود - پس مناسب این است قبل از آنیکه تیر از شصت رها شود در اعانه و همراهی براه آهن حجاز اقدامات مجده نمایند و این موقع نیکدرا از دست ندهند (خیرخواه ایرانیان)

برادر خطاب کرده امیدوار ظفر و قنجدیشان
گرفته است

§ دولت روس در اعلان رسمی ژاپون را به کلیات
خشن و سخت یاد نموده ضمناً اظهار داشته است که
وقت برای ما بسیار است که هشت بر دهان دشمنان
خود زیم

§ در (پتوسبرگ) شهرت دارد که دولت روس
فرمانفرمای ترکستان حکمی نافذ نمود که تهیه قشون و
استعداد جنگ دیده هرگاه دولت انگلیس در (ایران)
و (تبت) برخلاف حقوق روس اقدام نماید بجانب
هندوستان حمله کند

§ ارمنیهای بادکوبه در کلیسای خود ازدحام
نموده که برای فتوحات روس در اقصای شرق دعا
کند - بقتله نارنجکی در آنجا افتاده جوی مجروح شده
دو نفرشان قریب هلاکت اند

§ مخبر (روتر) از (تینت سن) خبر میدهد که
ژاپونیاییکه در منچوریا گرفتار شده صد نفر جاسوسانی
اند که شصت نفر آنها در خدمات عسکری ژاپون
بوده اند

§ سفیر ژاپون را در لندن خبر رسیده - در جنگ
بندر (آرتر) که در تاریخ مهم واقع شده چند فروند
کشتی ژاپون را نقصان رسیده است

§ چون شهرت یافته که شمس پاشا را در (جاکووا)
بلوایشان شکست داده دولت عثمانی قشون زیادی بدان
صوب گسیل داشته است

§ شنیده می شود که شمس پاشا با دو هزار و پانصد
نفر بی آذوقه محصور شده و عده بلوایشان پست هزار
نفر است - و صد نفر از قشون عثمانیم هلاک گشته اند

§ پادشاه (کوریا) بندر (ویجو) را برای تجارت جمیع
دول اعلان بازدی داده است - (ویجو) بندر است
بجانب شرق وودخانه (یلو) و عمده ترین بندر است
برای تجارت خارجه - چین - ژاپون از کوریا
خواهش نموده بود که بندر مذکور را برای تجارت دولت

بقیه تا کرافات
(۲۹) خنجه - ۱۷ فروردی

§ امیرالبحر (الکس اف) با همراهانش از بندر
(آرتر) حرکت و بجانب (هاربن) رهسپار گردیدند -
§ قشون بری و بحری روس بجانب (نیوجوانگ)
هجوم آورده اند -

§ بنامندگان ژاپون که از (ولادی ووسک) به
(توشکیو) رسیده ظاهر داشته که دولت روس
هیچگونه استعدادی جلو حالات خصم در (ولادی
ووسک) ندارد و هیچ کشتی موشک ژاپون در آنجا
فرق نشده افواهی که در قطع سیم تلگراف دریائی
بود - موقوف بصواب نیست

§ عده بسیاری از قشون روس در رودخانه (یلو)
برای دفع حالات قشون ژاپون (سکه بزم خراب
نمودن سیم تلگراف بین (ولادی ووسک) و بندر
(آرتر) رفته) متوجه اند

§ بمده امیرالبحر (استارک) امیرالبحر (مکاراف)
در بندر (آرتر) مقرر گردیده امیرالبحر (مکاراف) از
بین ازدحام سمشایین با مهندسین و نقاشان چند
حرکت کرده است

(سلخ ذی قعدة - ۱۵ فردری)

§ مخبر (روتر) از (تینت سن) خبر میدهد که
چانزده واگون راه آهن که ملو از قشون چینی بود
بجانب سرحدات حرکت کردند

§ شش فروند کشتی جنگی روس از (کتلند) به
(سویدن) و از آنجا بجنوب رهسپارند

§ در (توکیو) خبر رسیده که روسها سرحدات
(کوریا) را محاصره کرده اند

§ اخبار (استندرد) از (تینت سن) تلگرافی یافته
که دسته از کشتیهای روس بتازگی دریائی شده اند
§ آفتاب حضرت امپراطور روس پس از دیدن سان
قلوان غلیجریا که بجانب منچوریا حرکت میکردند -
خطاب بانها و دعا در حضورشان نموده (آلمان)

سازنده گناده دارد دولت روس ازین امر باخبر و امتناع
داشت چون فعلاً قشون ژاپون (کوریای) را مستخر دانسته
بنوا این بندر را برای تجارت عامه آزاد نمود
§ در راه مدینه منوره هر پهای بدو بر قافله ملکه
چوپال و همراهان شلیک نموده مجبوراً توقف کرده
منتظر قافله ثانوی شده تا با جمعیت حرکت کنند

§ خبر (روت) از (سیول) خبر میدهد که دو هزار
لشکریان روس در بندر (ویجو) و سه هزار در (چیانگ
چنگ) برای مقابله با قشون ژاپونی بجا آمده اند
§ در (پتسبرگ) افواه است که ژاپونها برای پیشرفت
کار خود اهالی (تکو) را رشوه میدهند که راه آهن
متنچوریا را خراب نمایند

§ (لارداستلی) در دارالشورای ملی انگلستان اظهار
داشته که خطوط مشرق که از راه آهن سیریا فرستاده
شدند فعلاً مانوی شده ازین و بعد از طریق سوئز و
امریکا خواهند فرستاد
(غره ذی حجه - ۱۹ فروری)

§ خبریکه سفارت ژاپون در لندن از (توکیو) رسیده
ظاهره میدارد که در حمله ژاپون بر بندر (آرتور) ابداکشی
از ژاپون خراب نشده و قوه بحری و حرکات لشکری
ژاپون اول درجه تسلیم شده است - قشون ژاپون بجانب
(نچین) و ملحقات آن در حرکت اند

§ شخصی بانا از محاصره بیرون آمده اهالی البانیا
خیلی در خشم و غضب اند منتضد نظر آنان مقتول
و مجروح شده و از قشون عثمانی نیز خیلی مقتول و
مجروح شده اند
§ در پتسبرگ خبری که مناب گشتی دو طلبان
شهرت یافته بود که خراب شده مقرون بصواب نمیدانند
فقط گلوله نوب قدری اورا تصان رسانیده است
§ اهالی بلخا و طاقب این امر را تسلیم کردند و
مرحلت خود را با پلیس مسلح حفظ نمایند تا با
لشکرین نظامی
را دولت روس دولت عثمانی را رسماً اطلاع دادند

که این وقت قبول توفیق اورا هر (دانی) نخواهد
نمود - چه دولت روس رضا نمیدهند که عد چون حرب
احدی از افسران و نهایتاً گان دولت در آن مقام باشد
§ دولت روس در اعلان رسمی خود اظهار داشته
که حمله ژاپون قبل از وقت و بدون اخبار جنگ
بوده و ابتدا دولت روس مستعد جنگ و دفاع نبود
§ (طمس) لندن در مقاله مخصوص خود می نویسد
از قرائن حرکات لشکری روس ظاهر میشود که
از جنگ بحری خسته شده و خیال دلزد تمام قبلی
بحری خود را کنار آورده بندر (آرتور) و (ولادی و
سک) را خالی گذارند و این افواه در مسکو نیز شایع
بسیار دارد - نقشه را که روس کشیده خیلی برای او
منفید است ولی فتح رقیبش را ثابت مینماید

(۲ ذی حجه - ۲۰ فروری)

§ بموجب خبریکه از (پتسبرگ) رسیده
(یان سی) در بندر (آرتور) با (امین) سیم کشتی شکن
مصادم شده آتش گرفته مصادم آن نیز طوفان شدیدی
آمده تمام سیم های ته دریا را بسطح دریا انداخته است
روز بعد از آن برای درست نمودن و جمع سیم کشتی
سیم های کشتی دیگر فرستاده طوفان کشتی مزبور را
بکوه مصادم ساخته و ناقص بی فکر ساخته است

§ در (رویان) بطریق نیم رسمی اعلان یافت که گرفتاری
دولت روس در اقصای شرق مانع از پیشرفت مقاصد
او در بلقان نخواهد بود - و از قوت قوه وی در بلقان
نخواهد کاست افواهی که من باب دست کشیدن روس
از معاملات (مقدونیا) شهرت یافته بی بنیاد است
§ دولت روس رسماً دولت ژاپون را ملزم ساخته
که از معاهدات جنگی جمیع دول اشرافی جهت و قبل
از اعلان جنگ اقدام بحرب نموده است

§ از پتسبرگ خبر رسیده تا رسیدن امپراتور
(میکارای) در بندر (آرتور) حرکت (لشکرین)
(میکارای) در بندر (آرتور) حرکت (لشکرین)

§ روزنامه (طمس) لندن در ضمن مقاله مخصوص خود میفریبد که حلیت و همراهی دولت انگلیس با ژاپن از امور طبیعی است - و هرگاه دولت ژاپن را ضرورتی پیش آید دولت انگلیس ناچار است که بموجب معاهده ژاپن عمل نماید همراهی با ژاپن نه فقط برای عقد معاهده میباشد که بین ژاپن و انگلیس است بلکه حرکات قشونی و نظام لشکری ژاپن ثابت می باید که همز انزو با اولین دولت و ملل متمدنه جنگ چیست ازین و بده دولت ژاپن را باید صاحب سیف و قلم دانسد

§ سرداران بحری فرانس و انگلیس و ایتالی و آلمان مانع از حلات ژاپن بر (چانگو) شده ظاهر داشتند که بندر (چلمو) از بنادر بی طرف در جنگ بشمار است § خبر (روتز) از (نفت سن) خبر میدهد که دولت ژاپن نقره و طلای کهنه بسیار از خزینه بیرون آورده در بانک نهاده که خدشه باعتبار بانک ژاپن وارد نیاید

§ دسته از کشتی های جنگی که مظلون است مال روس باشد شبانه از (پرم) عبور نموده بجانب شمال رهسپار گردیده است گویا از پتروسبرگ آنها را حکم معاوت مرکز خود داده اند

(۴ ذی الحجه - ۲۱ فروردی)

§ از بندر (آرتیر) تلگرافی به پتروسبرگ رسیده که بتاریخ نوزدهم شهر حال، جمعی از قزاقهای روس در بندر (ویجو) یک میجر و چند سرباز را ژاپن را گرفته که کافز آلات و نقشه جات چند نزد آنها بوده است

§ اخبارات فرانسه برای خروجین روس دفتر اعانه باز نموده اند

§ اخبار رسمی روس (جنرال کورو پاتکین) وزیر جنگ روس را سه ساله اکل فنون منجوریا اعلان کرده اند - جنرال سموسوفی ان آن جهت جلیله برای

§ روزنامه (طمس) پاریس در مقاله خود میفریبد

فرانسه و انگلیس را در بیطرفی جنگ روس و ژاپن تخریب مینماید و ضمناً تحریک میکند که در این مشارالیه نباید از حرکات نظامی دولتین متناهیتین که برخلاف قانون جنگی جمیع دول است چشم پوشی مینماید

§ از افواهی که بی اصل بوده که دول ثلاثه ایتالی و فرانس و آلمان اراده دارند قوای خود را در اقصای شرق متحد و متفق نمایند هیجان عظیمی در پاریس نمودار گردیده

§ خبر (روتز) از عدن خبر میدهد که (استرلیا) از کبابی جهاز (پن-ولا - ودانبل) کشتی اجاره نموده - در دریای احمر با کشتی روس برخورد کرده یکی از کشتیهای روس بی جهت او را تعاقب کرده خواست بر او شلیک کند - سپس تمام کشتیهای روس را وحله آورده کشتی مزبور فرار و هر قدر کشتیهای روس خواستند خود را با او برسانند نتوانستند - عاقبت علامت آشتی و توقف باند کرده - کشتی مذکور ایستاده تا جهازات روس نزدیک شده از حرکات ناچار خود نسبت بدو معذرت کردند

§ مجلس وزرای حدید (کیپ) صدارت (داکتورجس) افتتاح یافت

§ جنرال (ایجرتن) نا اردوی خود در (بربره) معاودت نموده همراهش در (شیجیه) برای راحت از جنگ سومالیای چندی آرام گرفته اند

§ چون پیشقدمی در سومالی چندی تأخیر افتاده پنج کشتی ایتالی که در بنادر سومالی متوقف بودند حکم حرکت بجانب اقصای شرق یافتند

(۴ ذی الحجه - ۲۲ فروردی)

§ حکومت (کولبو) را خبر رسیده که (جنرال

کیتلن) سیصد و بیست و پنج نفر ملاحان روس را که در جنگ (چانو) گرفتار شده دهم شهر حال

در جهاز مخصوص حل نموده متعاقباً به (کولبو) بازگردانند

§ تا خاتمه جنگ در آنجا توقف نمایند

§ جنگ اقصای شرقی جیب دول مغرب را بجوش و خروش آورده دولت (سوید) بجانب سواحل خود قشون حرکت داده (اسپانیا) آماده فرستادن لشکر نظریه مستعمرات خویش می باشد (برتیکس) کشتی جنگی محاربه روس در روسیه عمده است

لا در روسیه که بواسطه حکمی که دولت روسیه و باسرای برلین من باب آماده نمودن محاربه روس در روسیه در سرحد (پارسی) بیا می

§ بوجه هر که (سینر پاولوف) از جنگ (جنگ) داده یکی از کشتی های (دسترتر) ژاپون و سهزار (کروساتر) روس صدمه رسانده و کشتان وی او را هرق ساحت است

§ محس حکمت (لاهور) در مسئله (ونزولا) حکم نمود دولت روس و آلمان و استریا صادر عمده آورده است و حق آن را دارد که حقوق خود را در دست خود از گمرکات (ونزولا) ساحت نماید

§ (ارل برسی) در جواب سؤالی در دارالتورای اهل اندلس اظهار داشت که از صرفان اجازه حاصل نموده است که با بد میل صریح زمین را در مشرق افریقا حاصل نماید و بخاره تا تجار کند که اراضی غیر معمولی را که در اطراف ساحل است برای آبادی بدست آرند

§ دولت روس حکم داده که جمیع اعضای دیوان (ولادی و سسک) بیرون روند چه در بندر مذکور آثار غوط و غلا بشدت نمایان است اوراق انداکیر نمی آید تا ممکن است حکومت از زاق را بدست آورده مزید بر پیشانی اهل شهر میگرد

§ بندر (آرنه) اکثر کشتیهای جنگی و توپیان بحری محاصره نموده اند

§ دولتین روس و ژاپون متفقاً دوات امریکارا اطلاع داده که دولتین متسارعین آرادای ممالک چین را غیر از هندوچین که ما به النزاع است تسلیم مینمایند

§ پناه گزینان (نیپکو) که از بندر (آرنه) رسیده خبر میدهند که بیست نفر احببیان که به تاجراند و نه در حفظ و حراست دول دیگر در بندر (آرنه)

توقف دارند . . . (۱) . . .

§ حب وطن طبعی است

آمرین بر همت مرعانه ات ای شیر زن
کز حب خویش دل کنه ای بی حب وطن

رود نامه پدیده اخبار لاهور مینویسد که یکی از دختران گامدار (پیر) در پرتیوریا پای تخت ترسوال حاکم اندرینا (پیر) زید صاحب لیاقت و کسایت از قوم خرد رسم سراوس است و عند مساکت بچین و در تنه رانوشی مستحکم . همه اجرایی مراسم از دواج بموجب مدد خود بکلیسای بزرگ رفته تا در آنجا بآیین خود شرایط روحیت پردازند

پس از حصر در آن معبد نظر آرزو یگانه عروس غیرتمند بر کلاه داماد افتاد . نشانی که از دولت انگلیس باو رسیده بود (که نکسانی دادند که در جنگ ترسوال مدد بدولت انگلیس کرده) فوراً فسخ اراده کرده دامن از لوث زنا شوق شوهر بیغیرت خود در کشیده گفت کسیکه دست از وطن عزیز برداشته با دشمن سازد لایق مسیری و هم بستری من نخواهد بود

ای کاش مردان باغیرت و مردانگی دولت و ملت ما اقتدا باین دخترک ترسوالی کرده خانه و عرض و ناموس و مال و منال و ثروت و اهل و عیال خود را بدست خویش پیغش یک نشان فریننده و عثمان نمیکردند . بار آلهها مردان بیغیرت بی حیت را فدای کفش پای این گونه زبان غیرتمند وطن بفرما

◀ اعلان ▶

تقویم ایران بابت سال لوی شیل (۱۳۲۲) هجری که آغاز از نوروز سلطانی است طبع طهران با اداره جبل المتین رسیده هر کس طالب باشد از منیجر جبل المتین طلب نماید قیمت یک روپیه است

◀ ایضاً ▶

مشترکین محترم را انشاالله ایام سعیده و عید مبارک باشد هفته آینده روز نامه جبل المتین بناسبت عید تعطیل نموده است